

۴
کافهسانسور حذف‌شدنی نیست
سیدعلی صالحی۵
هنروظیفه هنرمندان و روشنفکران
آیدین آعداشلو۶
توسعهزندگی در لبه بقاء
انسان‌های فقیر و تورم سه‌رقمی

تهدید به ترور

یک مداح تندرو، رئیس‌جمهور را تهدید به قتل کرد!

۲
میهن

یادداشت روز

ترامپ و یک تفاهم ناگزیر

چرا واشنگتن مسیر خود را عوض کرد؟

سیدجلال ساداتیان

دیپلمات پیشین

تفاهم اخیر میان ایران و آمریکا، فارغ از جزئیات حقوقی و سیاسی آن، حامل یک پیام روشن است: پروژه تقابل حداکثری علیه ایران دست‌کم در این مقطع به بن‌بست رسیده است. البته آنچه به امضا رسیده یک توافق نهایی نیست بلکه یادداشت تفاهمی است که نقشه راه مذاکرات آینده را ترسیم می‌کند. با این حال نفس دستیابی به این تفاهم در شرایطی که دو طرف تا چندی پیش در اوج تنش قرار داشتند، خود دارای معانی سیاسی مهمی است. دولت دونالد ترامپ از زمان بازگشت به قدرت، سیاستی تهاجمی در عرصه بین‌المللی در پیش گرفت. ادبیات کاخ سفید در قبال بسیاری از بازیگران جهانی بر پایه فشار، تهدید و تحمیل اراده آمریکا استوار بود. در قبال ایران نیز بخش مهمی از تحلیل‌ها بر این باور بود که هدف نهایی واشنگتن صرفاً تغییر رفتار تهران نیست بلکه تغییر ساختار قدرت و فراهم کردن زمینه برای شکل‌گیری حکومتی همسو با منافع آمریکا در ایران دنبال می‌شود. اکنون اما رسیدن به تفاهم با جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که واقعیت‌های سیاسی و میدانی، محاسبات اولیه را دستخوش تغییر کرده است. در این میان، ایران توانست از موضعی متفاوت وارد میدان شود. مقاومت در برابر فشارها، حفظ انسجام داخلی، نقش‌آفرینی نیروهای نظامی، فعالیت دستگاه دیپلماسی و حضور مردم در صحنه، مجموعه عواملی بودند که مانع تحقق سناریوهای مورد نظر مخالفان ایران شدند. از این منظر، تفاهم اخیر تنها یک موفقیت دیپلماتیک نیست بلکه نشانه‌ای از ناکامی راهبردی است که بر فروپاشی یا تضعیف حاکمیت ایران حساب باز کرده بود. در کنار این عوامل شرایط بین‌المللی نیز به سود ادامه تنش عمل نمی‌کرد. بسیاری از متحدان سنتی آمریکا حاضر نشدند در مسیر تشدید بحران با واشنگتن همراه شوند. شکاف‌های آشکار میان آمریکا و برخی کشورهای اروپایی همچنین مخالفت افکار عمومی جهان با گسترش درگیری‌ها، هزینه ادامه رویارویی را برای کاخ سفید افزایش داد. همین مسئله سبب شد، گزینه مذاکره بار دیگر به‌عنوان یک راه‌حل واقع‌گرایانه مطرح شود. اما نباید از محاسبات داخلی دولت ترامپ نیز غافل شد. رئیس‌جمهور آمریکا در ماه‌های آینده با چالش‌های مهمی روبه‌روست. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره می‌تواند، جایگاه سیاسی دولت او را تحت‌تأثیر قرار دهد و از این‌رو، کاخ سفید نیازمند نمایش موفقیت در حوزه سیاست خارجی است. از سوی دیگر آمریکا در آستانه برگزاری جام جهانی فوتبال قرار دارد؛ رویدادی که از منظر سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی برای دولت آمریکا، اهمیت ویژه‌ای دارد. مدیریت بحران‌های خارجی و کاهش تنش در مناطق حساس جهان می‌تواند به ایجاد فضای باثبات‌تری برای میزبانی این رویداد جهانی کمک کند. همزمان نگرانی‌های اقتصادی ناشی از اختلال در مسیرهای انرژی و محدودیت‌های ایجاد شده در تردد دریایی نیز فشار مضاعفی بر دولت آمریکا وارد کرده است. افزایش قیمت نفت و پیامدهای آن برای اقتصاد جهانی از جمله عواملی بود که ضرورت حرکت به سمت کاهش تنش را تقویت کرد. نکته مهم دیگر، محل و زمان امضای تفاهم است. امضای این سند در حاشیه نشست سران گروه هفت و در حضور رهبران برجسته غربی حامل پیام‌های سیاسی مهمی درباره اهمیت این تحول برای معادلات بین‌المللی است. با وجود همه این تحولات هنوز نمی‌توان درباره آینده با قطعیت سخن گفت. مخالفان منطقه‌ای هرگونه نزدیکی میان تهران و واشنگتن، به‌ویژه اسرائیل، احتمالاً تلاش خواهند کرد مسیر مذاکرات را با مانع مواجه کنند. از این‌رو دو ماه آینده و مذاکرات پیش‌رو اهمیت تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. تفاهم امروز نه پایان اختلافات است و نه تضمین‌کننده توافق نهایی؛ اما یک واقعیت را آشکار کرده است: راهبرد فشار برای تغییر حکومت در ایران به نتیجه نرسید و اکنون گفت‌وگو، دست‌کم برای دو طرف، به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

عازم دیدار محرمانه

هیأت ایران به سرپرستی محمدباقر قالیباف و با همراهی سیدعباس عراقچی، عبدالناصر همتی و علی باقری کنی به شهر بورگن اشتوک سوئیس رفتند تا برای اجرایی شدن تعهدات آمریکا، با مقامات آن کشور گفت‌وگو کنند وزارت خارجه سوئیس اعلام کرد: به دلیل محرمانه بودن مذاکرات، محتوای این نشست منتشر نخواهد شد سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، سیدعباس عراقچی وزیر خارجه، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه، کاظم غریب‌آبادی معاون وزیرخارجه، علی باقری معاون بین‌الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی و حمید بورد معاون وزیر نفت و رییس شرکت ملی نفت ایران برای مذاکره با آمریکا راهی سوئیس شدند. به گفته سخنگوی وزارت خارجه این سفر، سفری است برای مطالبه کردن ایفای تعهدات طرف مقابل. بقایی تصریح کرد: «بند ۱۳ یادداشت تفاهم خیلی روشن است. مذاکرات برای توافق نهایی زمانی شروع می‌شود که اجرای تعهدات وفق بندهای یک، چهار، پنج، ۱۰ و ۱۱ شروع شود و اجرای آن ادامه یابد. متأسفانه شاهد آن وضعیت نیستیم لذا در این سفر و مذاکرات قرار است در مورد اجرای تعهدات طرف مقابل مطالبه‌گری داشته باشیم و مشخص شود که طرف مقابل به چه نحو می‌خواهد، تعهداتش را اجرا کند. این دیپلمات ارشد ایرانی همچنین گفت: ما این تعهد را امضا نکردیم که اجرا نشود. این تعهد بعد از چندین هفته مذاکرات بسیار فشرده با تلاش میانجی‌ها و با حسن‌نیت ایران و مهم‌تر از همه به پشتوانه قدرت و انسجام ملی به نتیجه رسید. قاعدتاً برای اجرای آن از هر تلاشی باشد، فروگذار نخواهیم کرد». وی تصریح کرد: اما تعهد در مقابل تعهد در صورتی که طرف مقابل از ایفای تعهداتش سر باز بزند حتماً متقابلاً ایران هم تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد.

| ادامه در صفحه ۳



هتل پالاس بورگن اشتوک: محل برگزاری مذاکرات ایران و آمریکا



سال نهم شماره ۲۲۶۰
یک‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵

دیدگاه: یادداشت سیاسی

امنیت پیوندها

وقتی لبنان خط مقدم امنیت ایران است



در سیاست بین‌الملل، همه مرزها روی نقشه ترسیم نمی‌شوند. برخی مرزها در دل اتحادها، ائتلاف‌ها و شبکه‌های بازدارندگی شکل می‌گیرند. لبنان و به‌ویژه حزب‌الله، طی سه دهه گذشته، برای جمهوری اسلامی ایران چنین جایگاهی یافته‌اند: جایگاهی که فراتر از یک رابطه سیاسی یا حتی یک اتحاد متعارف است و باید آن را در چارچوب معماری امنیتی و بازدارندگی ایران فهمید. استفن والت در نظریه «ریشه‌های اتحاد» نشان می‌دهد که اتحادها نه صرفاً بر پایه اشتراکات ایدئولوژیک بلکه در واکنش به تهدیدات مشترک شکل می‌گیرند و تداوم می‌یابند. از این منظر جبهه مقاومت را نمی‌توان مجموعه‌ای از بازیگران پراکنده دانست؛ بلکه باید آن را یک شبکه امنیتی تلقی کرد که اعضای آن امنیت خود را به امنیت یکدیگر گره زده‌اند. در چنین چارچوبی حزب‌الله صرفاً یک متحد برای ایران نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره بازدارندگی منطقه‌ای آن محسوب می‌شود.

بر همین اساس، هر حمله به لبنان را نمی‌توان صرفاً یک رخداد محلی یا محدود به جغرافیای این کشور تلقی کرد. هنگامی که یکی از ارکان اصلی یک شبکه امنیتی هدف قرار می‌گیرد، در واقع کل آن شبکه در معرض آزمون قرار می‌گیرد. مسئله اصلی، میزان خسارت‌های وارداشده نیست؛ بلکه پیام راهبردی نهفته در این اقدام و تأثیر آن بر موازنه قدرت و اعتبار بازدارندگی است.

در این نقطه، تحلیل توماس شلینگ نیز اهمیت پیدا می‌کند. شلینگ تأکید می‌کند که بازدارندگی پیش از آنکه به توانایی وابسته باشد به اعتبار وابسته است. قدرت زمانی بازدارنده است که طرف مقابل به اراده استفاده از آن باور داشته باشد. اگر این باور تضعیف شود، چرخه‌ای از آزمون‌های پی‌درپی آغاز خواهد شد؛ آزمون‌هایی که هر بار دامنه مخاطره را گسترده‌تر می‌کنند و هزینه‌های بیشتری بر همه بازیگران تحمیل خواهند کرد.

از این‌رو جایگاه حزب‌الله در نگاه راهبردی ایران را باید فراتر از یک رابطه معمول میان دو بازیگر سیاسی فهمید. در منطق جبهه مقاومت، امنیت لبنان، امنیت یک عضو منفرد نیست؛ بلکه بخشی از امنیت یک منظومه به‌هم‌پیوسته است. به همین دلیل تحولات لبنان تنها در بیسروت یا ضاحیه معنا پیدا نمی‌کنند؛ بلکه مستقیماً بر محاسبات امنیتی تهران و بر معادلات بازدارندگی منطقه اثر می‌گذارند.

شاید مهم‌ترین پرسش امروز این نباشد که چه بر سر لبنان آمده است؛ بلکه این باشد که سرنوشت اعتبار پیوندهایی که طی سال‌ها شکل گرفته‌اند چه خواهد شد. در سیاست بین‌الملل، اتحادها در روزهای آرامش تعریف نمی‌شوند؛ بلکه در لحظه‌ای معنا پیدا می‌کنند که یکی از اعضای آنها زیر آتش قرار گرفته باشد. لبنان امروز، از این منظر، صرفاً یک جغرافیا نیست؛ خط مقدم آزمون امنیت پیوندهاست.

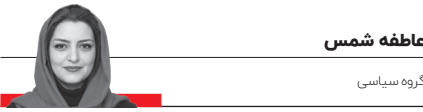
از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید حفظ انسجام جبهه مقاومت و حمایت مؤثر از ارکان آن، به‌ویژه حزب‌الله لبنان، را در زمره اولویت‌های راهبردی خود قرار دهد. در منطق اتحادهای امنیتی، هزینه تضعیف یک حلقه از زنجیره بازدارندگی در نهایت متوجه کل منظومه امنیتی خواهد شد و از همین‌رو صیانت از استحکام این پیوندها را باید بخشی از الزامات حفظ موازنه قدرت و تأمین امنیت ملی ایران دانست.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

تهدید به ترور

یک مداح تندرو، رئیس‌جمهور را تهدید به قتل کرد!



برخی از مداحان سال‌هاست که فقط روایان مناسک و مصائب مذهبی نیستند؛ بعضی از آنها حالا به بازیگران اثرگذار عرصه سیاست هم تبدیل شده‌اند. از موضع‌گیری‌های انتخاباتی و حمله به دولت‌ها و مسئولان و منتقدان گرفته تا ورود به مناقشات دیپلماتیک و سیاسی طی سال‌های اخیر نام مداحان بارها به دلیل جنجال‌های سیاسی‌شان بر سر زبان‌ها افتاده است. با این حال کمتر کسی تصور می‌کرد که این روند روزی به تهدید مستقیم رئیس‌جمهور از روی منبر برسد.

اخیراً ویدئویی از یک مداح در شهری منتشر شده که در مراسم عزاداری سیدالشهدا(ع) خطاب به مسعود پزشکیان از «تیغ و حلقوم» سخن می‌گوید، اتفاقی که نشان داد برخی تریبون‌های مذهبی تا چه اندازه از کارکرد سنتی خود فاصله گرفته و به محملی برای بیان تندترین مواضع سیاسی تبدیل شده‌اند. در این میان اظهارات تهدیدآمیز اخیر محمدعلی بخشی خطاب به رئیس‌جمهور هم تأملاتی را درباره جایگاه سیاسی مداحان پیش کشیده است؛ اینکه مداحان تا کجا می‌توانند در عرصه سیاست نقش‌آفرینی کنند حدود مسئولیت آنها در قبال اظهاراتشان چیست و رواج چنین ادبیاتی چه تأثیری بر انسجام ملی می‌گذارد. بخشی، از بالای منبر، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی را تهدید به قتل کرد و گفت: «آقای رئیس‌جمهور اگر شروط رهبری محقق نشه، ما می‌دانیم و تیغ و حلقوم شما، پدرت رو درمی‌آریم». اظهاراتی که مصداق تهدید مستقیم رئیس‌جمهور است و واکنش‌های متعددی را از سوی افکار عمومی، مقام‌های دولتی، نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی به همراه داشت. اما بعد از انتشار گسترده این ویدئو و بالا گرفتن انتقادات این مداح تلاش کرد، اظهاراتش را توجیه کند. او در ویدئوی دیگری مدعی شد که حرف‌هایش «در حد روشنگری و بیان احساسات» بوده و اساساً قصد تهدید نداشته است. با این حال نمتها بابت اظهاراتش عذرخواهی نکرد بلکه تلاش کرد با تغییر صورت مسئله، رسانه‌های خارج از کشور را متهم کند که با بازنشر این بخش از سخنانش بدنبال برهم زدن

سیاست

از هوشمندی تا تحمیل

واکاوی برداشت‌ها از یک عبارت در پیام رهبر انقلاب

گروه سیاسی: درباره عبارت «بنده علی‌الاصول نظر دیگری داشتم» در پیام رهبر انقلاب پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، تفسیرهای متعددی در فضای رسانه‌ای و سیاسی شکل گرفت. بخشی از تحلیل‌ها، آن را نشانه «هوشمندی راهبردی» دانستند؛ به این معنا که هم‌زمان دو پیام منتقل شده است: بیان یک ارزیابی متفاوت در سطح کلان و در عین حال حمایت از سازوکار تصمیم‌گیری جمعی در نهادهای مسئول. در مقابل، برخی این عبارت را نشانه «فشار یا تحمیل برای پذیرش توافق» تعبیر کردند و آن را دال بر وجود اختلاف یا اجبار در فرآیند تصمیم‌گیری دانستند؛ هرچند این برداشت بعداً از سوی برخی رسانه‌های رسمی رد شد.

دسته سوم از تحلیل‌ها این جمله را در چارچوب «اعتماد به رئیس‌جمهور و تیم مذاکره‌کننده» تفسیر کردند؛ به این معنا که رهبر انقلاب با وجود داشتن ترجیح متفاوت به مسئولیت‌پذیری دولت و شورای عالی امنیت ملی اعتماد کرده و اجازه اجرای تصمیم را صادر کرده‌اند. در کنار این دو رویکرد، تحلیل‌های میانه‌ای نیز شکل گرفت که تأکید داشتند این پیام هم‌زمان حامل هشدار نسبت به بدعهدی طرف مقابل، تأکید بر شروط سخت‌گیرانه توافق و نیز حمایت

وحدت داخلی هستند. گویا بخشی، توجه چندانی به پیامدهای اظهارات خودش و تأثیر آن بر انسجام ملی ندارد.

واکنش‌ها به تهدید رئیس‌جمهور

کمی بعد از انتشار اِسن ویدئو در فضای مجازی، سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور در شبکه ایکس نوشت: «خاک بر دهانش باد کسی که در ظاهر مقدس، کاری می‌کند که پسند دشمن است». او همچنین خواستار برخورد قاطع و قانونی با افرادی شد که به گفته او به خود اجازه می‌دهند دومین مقام کشور را به قتل تهدید کنند. حبیب عباسی، مدیرکل روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری هم در پیامی در شبکه ایکس تهدید رئیس‌جمهور از منبر عزاداری را «بی‌حرمتی به رأی میلیون‌ها ایرانی» و «خدشه به حرمت هیأت» دانست. او نوشت که منبر اهل‌بیت، محل اخلاق و وحدت است نه خشونت و تهدید و تأکید کرد که هیچ



اختلاف سیاسی‌ای، توهین به قانون و بی‌حرمتی به نام‌امام حسین(ع) را توجیه نمی‌کند. سخنگوی وزارت کشور اما تلاش کرد از شدت بحران بکاهد. علی‌زینی‌وند در نشست خبری روز گذشته‌اش گفت که این اظهارات «قطعاً شوخی بوده است» اما در عین حال تصریح کرد که استفاده از چنین ادبیاتی در تریبون‌های مذهبی، شایسته نیست و مداحان باید از طرح چنین مطالبی خودداری کنند. البته تهدید یک مقام عالی‌رتبه کشور را نمی‌توان صرفاً به حساب شوخی گذاشت. رضا سپهوند، نماینده مجلس در گفت‌وگو با ایلنا، ادبیات به کار رفته علیه رئیس‌جمهور را «سخیف و مشمزنکننده» توصیف کرد و گفت، جریانی که امروز به پزشکیان، قالیباف و عراقچی حمله

می‌کند، اقلیتی پر سروصداست که بیش از منافع ملی به منافع سیاسی و انتخاباتی خود می‌اندیشد. سپهوند همچنین این جریان را در عمل همسو با تلاش‌های مخالفان خارجی توافقات و مذاکرات دانست. احمد فاطمی، عضو فراکسیون مستقلین مجلس هم در گفت‌وگو با ایسنا خواستار ورود مدعی‌العموم شد. به اعتقاد او اینکه یک مداح چنین جسارتی برای توهین و تهدید رئیس‌جمهور پیدا می‌کند، نشانه وضعیتی نگران‌کننده است. فاطمی هشدار داد که اگر با این نوع رفتارها برخورد نشود، بداخلاقی سیاسی در جامعه نهادینه خواهد شد. یادداشت احمد زیدآبادی در کانال تلگرامی‌اش اما بیشتر بر مسئله امنیت عمومی متمرکز بود. او پرسید در کشوری که تهدید علنی رئیس‌جمهور بدون هراس از پیگرد قضایی مطرح می‌شود، چگونه می‌توان از شهروندان انتظار داشت، احساس امنیت کنند؟ زیدآبادی این وضعیت را نشانه نوعی دوگانگی در برخورد با منتقدان و صاحبان تریبون دانست و نوشت: «والله به خدا شهر هرت هم به این اندازه بی‌در و پیکر نیست».

خط قرمزهای شکسته

سئوال این است که چرا با این افراد برخورد نمی‌شود؟ آیا موضوع سعید عسگر در سال ۷۸ و ترور حجازیان فراموش شده است؟ چرا نهادهای نظارتی برخورد نمی‌کنند آیا اگر فردی از جریان اصلاح‌طلب این سخن را گفته بود وضع همین بود؟ اما فراتر از شخص، سوال این است که مداحان دقیقاً چه جایگاهی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران دارند که برخی از آنان خود را مجاز به تهدید یا تعیین تکلیف برای عالی‌ترین مقامات اجرایی کشور می‌دانند؟ در چنین شرایطی، سرمایه اجتماعی نهادهای مذهبی هم آسیب می‌بیند. جامعه از مداح انتظار دارد، پیام‌آور اخلاق باشد نه تولیدکننده خشونت کلامی. وقتی که ادبیات تهدید از یک تریبون مذهبی شنیده می‌شود، اعتبار آن تریبون زیر سوال می‌رود. ایران در شرایطی قرار دارد که بیش از هر زمان دیگری به انسجام اجتماعی و گفت‌وگوی ملی نیاز دارد. اختلاف‌نظر سیاسی امری طبیعی است؛ اما آنچه در ماجرای اخیر نگران‌کننده است، عادی شدن ادبیاتی است که رقیب سیاسی را هدف حذف می‌بیند. در چنین شرایطی انتظار حداقلی افکار عمومی، برخورد قاطع، قانونی و بدون اغماض با هر نوع تهدید و ادبیات خشونت‌آمیز و هر تهدید نسبت به منتخب مردم صرف‌نظر از جایگاه گوینده است. چراکه بی‌توجهی به این مرزها به تضعیف هنجارها و افزایش هزینه‌های اجتماعی منجر خواهد شد. ماجرای محمدعلی بخشی شاید ظرف چند روز از تیتَر خبرها خارج شود اما مسئله اصلی حذف نمی‌شود. منبر باید تریبون وحدت باشد نه اینکه به سکوی تفرقه و طرح ادبیات توهین‌آمیز علیه عالی‌ترین مقام اجرایی کشور تبدیل شود.

جمعی اتخاذ شده و رهبر انقلاب صرفاً نقش تثبیت‌کننده و ناظر راهبردی را ایفا کرده‌اند.

روزنامه خراسان در یادداشتی تحلیلی تأکید می‌کند که برداشت «تحمیل» از جمله مذکور «خطای تحلیلی» است. به نوشته خراسان، رهبر انقلاب با تصریح به عبارت «اجازه دادم» عملاً نشان داده‌اند که تصمیم نهایی در بستری یک فرآیند جمعی و نهادهای اتخاذ شده است نه از مسیر اجبار یا تحمیل.

خبرگزاری مشرق هم با نقد برداشت‌های «تحمیل‌محور» این تلقی را نادرست می‌داند. در روایت مشرق، «علی‌الاصول نظر دیگری داشتم» نه نشانه اجبار بلکه نشانه تفکیک میان «ارزیابی راهبردی اولیه» و «تصمیم نهایی مبتنی بر سازوکار جمعی» است. در سطح نهادی هم شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تفسیری متفاوت ارائه می‌دهد و این عبارت را حتی نوعی «هشدار راهبردی» تلقی می‌کند؛ هشداري به طرف آمریکایی مبني بر اینکه مسیر دیپلماسی، مطلق و بدون بازگشت نیست و در صورت نقض شروط، امکان تغییر رویکرد وجود دارد.

در مجموع، طیف تحلیل‌ها از «هوشمندی در مدیریت تعارض نظر و تصمیم» تا «هشدار به طرف خارجی» و حتی «ورود به منازعه سیاسی داخلی» گسترده است. با این حال یک نقطه اشتراک در اغلب روایت‌ها دیده می‌شود. اینکه این جمله بیانگر یک منطق حکمرانی است که در آن اختلاف‌نظر در نهایت در قالب تصمیم جمعی و مسئولانه حل‌وفصل می‌شود.

كُلُّ مَنْ عَلَیْهَا فَاِنِ

جناب آقای حسن اسدی زیدآبادی

درگذشت مادر گرانمایه، سرکار خانم گوهر حسینعلی‌زاده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت گفته و صبوری آن مادر عزیز برنامالیامات روزگار را ارج می‌نهم.

برای آن عزیز سفر کرده، آموزش الهی و آرامش ابدی و برای شما و بستگان، شکیبایی و دل‌آرامی بر این رنج را آرزومندیم.

محمدصادق آخوندی . زینب آدیش . ابوطالب آدینه‌وند . محمد آزادی . حمید آصفی . بهمن احمدی‌امویی . امین احمدیان . میلاد اسدی . بهرام اسماعیلی‌گی . علی افشاری . فاطمه افشاری . امیر اقتناعی . مرتضی الوری . مهدی امینی‌زاده . مصطفی بادکوبه‌ای‌هزاوای . مسعود باستانی . محمود باقری . محمدباقر بختیار . احسان بدایق بهمن برنادل . ژیلانی‌یعقوب . قربان‌بهادرانی‌نژاد . سیدعلیرضا بهشتی‌شیرازی . امیر بهمنی . مسعود پدرام . هوشنگ پوریایی . سیدمصطفی تاجزاده . مهدی تاجیک . علی‌رضا جلالی . علی جمالی . یمان چالاکی . سیاوش حاتم . فخرالدین حیدریان . غلامرضا خانیان . امیر خرم . مصطفی خسروی . امید خوارزمیان . محمدحسین خوریک بابک داشاب . ناصر دانشفر . محمد داوری . امیرسالار داوودی . مهدی درس‌پور . ویدا ربانی . محمدصادق ربانی‌املشی . علیرضاراجایی . محمدرضارجعی . علیرضارجیبیان . زهرا رحیمی . حسین زراق . امیر رشیدی . امیرضارضایان . ابوالفضل رضایی . موسی ساکت . حسین سرنیدی . میثم سعادت . عبدالفتاح سلطانی . بهروز شادلو بهروز شاهرخیا . مونا شکردوست . پرویز شهر . صابر شیخلو . محمد صادقی . اسماعیل صحابه . سمیرا صدری . کیوان صمیمی . فرید طاهری‌فروینی . مهدی عربشاهی . محمدعلی علیان . محمدفاضلی‌کیا . فرهادفخرآبادی . سمیه فرید . بهرام فیاضی . ابوالفضل قدیانی . احمد قدیانی . میرا قربانی‌فر . هادی کحال‌زاده حسین کروی . ساجده کیانوش‌راد . محمد کیانوش‌راد . مهدیه گلرو . وحید لعلی‌پور . حسن مایلی . علی مجتهدزاده . مصطفی محب‌کیا . فخرالسادات محتشمی‌پور . مهدی محمودیان . سعید مدنی . میثم مشایخ . محمدجواد مظفر . پژمان مظفری . حسن معادیخواه . علی معینی . محمدرضا مقبسه . علی ملیحی . سلمان موسوی سیدعلی‌اکبر موسوی‌خوینینی . عبدالله مومنی . فرهنگ نادری . سعید نعیمی . حسین نقاشی . مرتضی نورمحمدی . علی نیکجو . مصطفی نیلی . مهدی وطن‌خواه . محمدامین هادوی . حسین یزدی . احمدرضایوسفی . حسن یونس‌ی

انتقاد اوباما از ترامپ

آمریکا پس از یک جنگ خونین دوباره به برجام بازگشت قراردادای که ترامپ از آن خارج شده بود

گروه بین‌الملل: «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا با انتقاد از اینکه دولت ترامپ میلیاردها دلار برای جنگ علیه ایران هزینه کرده است، گفت: ایالات متحده ممکن است در مقایسه با پیش از آغاز جنگ ایران «وضع بدتری» داشته باشد. او با اشاره به برجام گفت: توافقی وجود داشت که در آن، ایران پذیرفته بود به سمت ساخت سلاح هسته‌ای نرود و دولت قبلی ترامپ از آن خارج شد که نتیجه‌اش این شد که ایران توانایی‌های هسته‌ای خود را گسترش داد. اوباما افزود: به‌نظر می‌رسد دوباره به همان نقطه‌ای بازگشتیم که پیش از آغاز جنگ از آن قرار داشتیم با این تفاوت که شاید شرایط کمی بدتر هم شده باشد.

نانسی پلوسی، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا نیز در مصاحبه‌ای با انتقاد از جنگ علیه ایران و خروج ترامپ از برجام گفت: ما یک توافق خوب را پاره کردیم، وارد جنگ شدیم و شماری از آمریکایی‌ها جان خود را از دست دادند. پلوسی افزود: دونالد ترامپ نمی‌خواهد این واقعیت را بپذیرد که باراک اوباما در تمام این زمینه‌ها، موفقیت به‌مراتب بیشتری به‌دست آورده بود. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا در پادکست خود به‌نام «لانسگ گیم» در خصوص

ادامه تیتیر یک

عازم دیدار محرمانه

مذاکرات پس از امضای تفاهم

تیم مذاکره کننده ایران در حالی راهی بورگن اشتوگ می‌شود که در ۲۸ خردادماه تفاهمی بین ایران و آمریکا شکل گرفت که مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ روسای جمهور دو کشور آن را به صورت مکتوب امضا کردند. این توافق قرار است، نقشه راهی برای مذاکرات باشد که طی آن وضعیت برنامه هسته‌ای ایران نیز مشخص خواهد شد. که این مساله منوط به پیشبرد این تفاهم ۱۴ بندی است که شامل مفادی مربوط به پایان دادن به جنگ در چندین جبهه از جمله لبنان، بازگشایی تنگه هرمز و لغو محاصره دریایی تحمیلی آمریکا علیه ایران است.

موضوع مهم هسته‌ای

استدلالی که آمریکا و اسرائیل از ابتدای جنگ مطرح کرده‌اند عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده که ایران بارها این ادعا را رد کرده است. با این حال، تل آویو و واشنگتن جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه را علیه ایران راه انداختند که طی آن تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران بمباران شد. این درحالی بود که این مناقشه تحت توافقی به نام برجام و با نظارت آژانس، حل شده بود و خروج ایالات متحده از آن در سال ۲۰۱۸ روابط تهران – واشنگتن را متشنج کرد.

طرفداران توافق

ترامپ و جی دی ونس در آمریکا از مدافعان توافق پیش رو هستند. به گفته ونس، اوضاع در مذاکرات ایران خوب پیش می‌رود و از سفر خود به سوئیس خبر داد. او گفت: ما به توانایی خود برای حفظ آتش‌بس اطمینان داریم. ترامپ تصمیم گرفت برخلاف مواضع برخی از احزاب در دولت اسرائیل به مذاکرات فرصتی بدهد».

رئیس‌جمهور آمریکا که کمتر از ۱۰۰ روز پیش از بی‌نیازی کامل کشورش از نفت خاورمیانه سخن می‌گفت حالا به اتمام قریب‌الوقوع ذخایر نفتی خود در صورت ادامه یافتن جنگ با ایران اعتراف می‌کند؛ اعترافی که موجی از انتقادات و تمسخر را در رسانه‌های آمریکایی و جهانی به همراه داشته است. با این حال او در اظهارنظری اعلام کرد که این تفاهم به معنای تسلیم بدون قید و شرط ایران است. ادعایی که بسا واقعیات فاصله‌ای زیادی دارد و به باور تحلیلگران، متن تفاهم به گونه‌ای است که دو طرف از موضع برابر مذاکره می‌کنند.

مخالفتان توافق

در آن سو مخالف سرسختی به نام اسرائیل از هر کوششی برای بر هم زدن توافق دریغ نمی‌کند. اگرچه اسرائیل به تازگی دستور توقف جنگ در جنوب لبنان را صادر کرده اما همچنان دورنمای مثبتی برای آتش‌بس و صلح وجود ندارد. نفتالی بنت، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل با بیان اینکه تل‌آویو می‌توانست توافق امضا شده میان ایران و آمریکا را رد کند، مدعی شد که این رژیم می‌تواند به دونالد ترامپ،

تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا اعلام کرد: ترامپ برجام را بدترین توافق تاریخ بشر نامید و اکنون او توافقی را انجام داد که به ایران ده‌ها میلیارد دلار می‌دهد تا تنگه‌ای که قبل از شروع جنگ باز بود را باز کند. مشاور امنیت ملی دولت بایدن در این خصوص گفت: (این توافق) صراحتاً به آنها (ایرانی‌ها) اجازه می‌دهد، طرحی را برای دریافت عوارض از کشتی‌هایی که از آن تنگه عبور می‌کنند، طراحی کنند، چیزی که قبل از این جنگ هرگز وجود نداشت.

جیک سالیوان، سپس اضافه کرد: این توافق، وعده ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران برای بازسازی این کشور را می‌دهد؛ درحالی که چیز محکمی را در ازای برنامه هسته‌ای ایران دریافت نمی‌کند. سپس تصریح کرد: با کسی مواجهیم (ترامپ) که به‌معنای واقعی کلمه در ورسای (کاخ ورسای فرانسه و محلی که ترامپ تفاهم‌نامه با ایران را امضا کرد) نشست و توافق را امضا کرد. منظورم این است که این نوعی معاهده جدید ورسای نام دارد با این تفاوت که ایالات متحده طرفی است که غرامت‌ها را می‌پردازد.

رابرت مالی، مذاکره‌کننده ارشد دولت جو بایدن نیز که در دولت باراک اوباما نیز حضور داشت، توافق ایران و آمریکا

را «یک دستاورد مهم و خوشایند» توصیف کرد زیرا به باز شدن تنگه هرمز منجر می‌شود. اما وی استدلال کرد که این تفاهم‌نامه همچنین «یک کیفرخواست روشن و قاطع علیه جنگی است که پیش از این رخ داد» و آن را «یک شکست فاجعه‌بار و پرهزینه» خواند.

مالی افزود که مسائل مهمی ازجمله آینده برنامه هسته‌ای ایران، سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی شده و دامنه لغو تحریم‌ها همچنان حل‌نشده باقی مانده‌اند که رسیدگی به آنها می‌تواند دشوارتر از قبل از شرایط جنگ باشد.

بن رودز، مقام سابق دولت اوباما و مفسر سیاسی نیز با تکرار این انتقاد نوشت که تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا «آبراهی که قبل از جنگ باز بود را بازگشایی می‌کند» و

مجموعه‌ای از شرایط به تفاهم رسانیداند و چارچوبی برای توافق شکل گرفته است. روشن است که در شرایط کنونی، مسئله توافق هسته‌ای یا برنامه هسته‌ای ایران به طور کامل حل نشده است. این موضوع بیشتر به آینده واگذار شده است. ممکن است تفاهم‌نامه شامل بندهایی درباره مسیر آینده برنامه هسته‌ای ایران باشد و تهران تعهداتی را برای مراحل بعدی پذیرفته باشد اما فعلا این موضوع در مرکز توافق قرار ندارد.

بنابراین بدون تردید مهم‌ترین بحرانی که اکنون در حال مدیریت است، بحرانی است که خود جنگ ایجاد کرد.

اگرچه ایران از این جنگ آسیب‌های زیادی دید اما ادامه بی‌شمر جنگ نیز برای ترامپ و نتانیاهو هم چیزی عاید آنها نمی‌کرد بنابراین مذاکره تها راه باقی‌مانده برای کاخ سفید به منظور برگرداندن وضعیت جهانی به پیش از جنگ بود. هنوز نمی‌توان قطعی درباره موفقیت این گفت‌وگو‌ها صحبت کرد. همه چیز بستگی به مذاکرات سوئیس و نتایج حاصل از آن دارد.

نتیجه‌گیری فوکویاما

فرانسیس فوکویاما، اندیشمند مطرح جهان، نیز عنوان کرد: ترامپ تمام اهدافی که دولت ترامپ طی سه ماه برای توجیه این جنگ مطرح کرده بود به مذاکرات آتی موکل کرده است و هیچ یک از اهداف دیگر آمریکا برای جنگ علیه ایران از جمله «تغییر رژیم» یا «تسلیم بی‌قیدوشرط» محقق نشده است. بسیار بعید است که ایران طی دو ماه آینده در موضوعات مورد مذاکره انعطاف نشان دهد؛ زیرا «دقیقاً همین مسائل با هویت بنیادین و بقای نظام سیاسی آن گره خورده‌اند.

نتیجه‌گیری

تفاهم میان ایران و آمریکا را نمی‌توان صرفاً پایان یک بحران دانست؛ بلکه این توافق بیش از هر چیز آغاز مرحله‌ای تازه از رقابتی مدیریت‌شده میان دو طرف است. مسیر پیش‌رو به عوامل متعددی وابسته خواهد بود: از میزان انعطاف‌پذیری طرفین در ادامه مذاکرات گرفته تا ثبات مواضع و رویکردهای دونالد ترامپ، نقش بازیگران ثالث از جمله اسرائیل و کشورهای عربی همچنین تحولات داخلی در تهران و واشنگتن. اگرچه این تفاهم توانسته است احتمال وقوع یک درگیری فوری را کاهش دهد اما هنوز نمی‌توان آن را یک توافق نهایی و پایدار تلقی کرد. از منظر راهبردی، این تفاهم‌نامه بیش از آنکه تضمینی برای یک ثبات بلندمدت باشد، ابزاری برای مهار تنش، جلوگیری از گسترش جنگ و مدیریت پیامدهای اقتصادی و امنیتی بحران به‌ویژه در حوزه انرژی و پس از بازگشایی تنگه هرمز به شمار می‌رود. در عین حال شکل‌گیری این تفاهم در بستر مذاکراتی طولانی و پیچیده صورت گرفته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد، توافق اخیر نتیجه یک تصمیم ناگهانی نیست بلکه حاصل روندی تدریجی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد زمینه گفت‌وگو میان دو طرف است. در نهایت تجربه این جنگ بار دیگر نشان داد که قدرت نظامی به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده پیروزی یا دستیابی به اهداف سیاسی باشد و دیپلماسی همچنان مهم‌ترین ابزار برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی و یافتن راه‌حل‌های پایدار باقی می‌ماند.



مذاکرات هسته‌ای را آغاز می‌کند که از آنچه دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا پیش از جنگ به‌دنبالش بود، محدودتر است. رودز افزود که این جنگ «با هزینه‌ای سرسام‌آور برای کل جهان» رخ داد و همزمان باعث احساس قدرت بیشتر ایران شد.

با این حال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حمله‌ای جدید به دموکرات‌ها نوشت که چپ‌های رادیکال احمق و دموکرات‌ها بالاخره فهمیدند که ما در جنگ خود علیه ایران چقدر خوب عمل کردیم. وی با حمله به اوباما و توافقی با ایران افزود: آنها [ایرانی‌ها] هیچ احترامی برای او قائل نبودند. آنها او را، مانند جو خواب‌آلود بایدن، رهبر ضعیف و ناکارآمد می‌دانستند؛ و در این باره صددرصد حق داشتند.

اروپا

تهدید زلنسکی علیه بلاروس

کی‌یف برای لوکاشنکو ضرب‌الاجل تعیین کرد

به گزارش خبرگزاری «نوستی»، ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین با متهم کردن مقامات مینسک به استقرار تجهیزات نظامی در نزدیکی مرزهای کشورش برای الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس ضرب‌الاجل تعیین کرد. زلنسکی در یک پیام ویدئویی گفت: «لوکاشنکو باید این تجهیزات را خارج کند و این تجهیزات باید عقب برده شوند. فکر می‌کنم یک هفته برای انجام این کار برای او کافی باشد». وی همچنین تأکید کرد که از طرف بلاروسی می‌خواهد تجهیزات نظامی را از منطقه خارج کند، در غیر این صورت طرف اوکراینی خود این کار را انجام خواهد داد. زلنسکی پیش از این نیز هشدار داده بود که بلاروس باید از پیامدهای اقدامات تهاجمی که به عقیده او در حال تدارک است، آگاه باشد. به گفته وی، کی‌یف هم امکان تقویت توان خود را دارد و هم قادر است حملات پیش‌گیرانه علیه این جمهوری انجام دهد. در مقابل لوکاشنکو یادآور شده بود که تهدیدهای رئیس‌جمهور اوکراین علیه بلاروس چیزی بیش از لفاظی نیست. وی همچنین گفت که با وجود ادعای زلنسکی مبنی بر شناسایی حدود ۵۰۰ هدف در خاک بلاروس توسط نیروهای مسلح اوکراین این کشور قصد ندارد، وارد رویارویی مستقیم با حکومت کی‌یف شود. لئونید اسلوتسکی، رئیس کمیته امور بین‌الملل دولتی روسیه در واکنش به این تعیین ضرب‌الاجل اعلام کرد که اظهارات ولودیمیر زلنسکی علیه رئیس‌جمهور بلاروس، ماهیتی تحریک‌آمیز دارد و با هدف تشدید درگیری‌ها مطرح شده است. وی در کانال تلگرامی خود نوشت: «اظهارات زلنسکی علیه لوکاشنکو یک نمایش خطرناک با هدف جلب توجه افکار عمومی غرب و اقدامی تحریک‌آمیز برای تشدید تنش‌ها و گسترش دامنه درگیری به خاک بلاروس است». اسلوتسکی تأکید کرد که تهدیدها علیه بلاروس به‌عنوان تهدیدهای بالقوه علیه دولت متحد روسیه و بلاروس تلقی می‌شود و ممکن است پیامدهای جدی در پی داشته باشد. تهدیدات زلنسکی درحالی مطرح می‌شود که اوکراین به‌تازگی حمله سنگین گسترده پهبادی به مسکو انجام داده که در یکی از این حملات، پالایشگاه نفت منطقه «کاپوتینا» در مسکو هدف قرار گرفته و خسارت سنگینی بر جای گذاشته است.





گزارش

شاهنامه به زبان ساده

رونمایی مجموعهٔ ۲۰ جلدی **داستان‌های شاهنامه**

مجموعهٔ ۲۰ جلدی «داستان‌های شاهنامه» نوشتهٔ محسن دامادی که انتشارات کتاب‌سرای «نیک» آن را منتشر کرده، در نشست «عصر پنج‌شنبه‌های بخارا» رونمایی شد. در این مراسم سخنرانان با بررسی جایگاه بازنویسی شاهنامه برای مخاطب امروز از ضرورت ایجاد پلی میان متن سترگ فردوسی و نسل جدید سخن گفتند.

علی دهباشی با معرفی این مجموعه، آن را اثری متناسب با نیازها و دغدغه‌های جامعه امروز توصیف کرد. او با اشاره به فعالیت پنج‌ساله محسن دامادی در بازنویسی داستان‌های شاهنامه به زبانی ساده و امروزی گفت: تجربهٔ طولانی او در عرصهٔ فیلم‌نامه‌نویسی و سینما موجب شده است تا ظرفیت‌های نمایشی و روایی داستان‌های شاهنامه در این مجموعه به خوبی برجسته شود. نویسنده در کنار روایت داستان‌ها بر جنبه‌های انسانی، اخلاقی و تربیتی شاهنامه نیز توجه ویژه داشته و کوشیده است، این مفاهیم را با بیانی روشن و قابل فهم در اختیار مخاطبان قرار دهد.

شاهنامه کتاب زندگی است

در ادامه محسن دامادی، نویسندهٔ «داستان‌های شاهنامه» با اشاره به نقش فردوسی در حفظ هویت فرهنگی ایرانیان گفت: «شاهنامه حاصل دغدغهٔ اندیشمندانی است که می‌خواستند، شناسنامه تاریخی و فرهنگی ایران را برای نسل‌های بعد حفظ کنند. هرچند همواره توصیه به خواندن این اثر را شنیده بوده اما دشواری زبان آن، مانعی برای ارتباط بسیاری از مخاطبان بوده است؛ درحالی که فردوسی شاهنامه را برای عموم مردم و نه صرفاً برای پژوهشگران و دانشگاهیان سروده بود». او با اشاره به روند پژوهش‌های شاهنامه‌پژوهی پس از مشروطه افزود هرچند این تلاش‌ها ارزشمند بوده‌اند اما به مرور شاهنامه را از متن زندگی مردم دور کرده و به محافل تخصصی، محدود ساخته‌اند. از همین‌رو تصمیم گرفته است با حفظ امانت نسبت به متن اصلی، روایت داستان‌ها را به زبان امروز درآورد تا مخاطبان بیشتری بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. دامادی توضیح داد، دوران شیوع کرونا فرصت مناسبی برای آغاز این پروژه فراهم کرد و او از سال ۱۳۹۹ کار بازنویسی را آغاز کرده است. او در پایان سخنانش تأکید کرد: «شاهنامه کتاب جنگ و نبرد نیست؛ کتاب زندگی است. این اثر بزرگ علاوه بر تقویت هویت ملی و عشق به میهن، آموزگار اخلاق، انسانیت و احترام به ارزش‌های انسانی است و هر خانواده ایرانی باید فرزندان خود را با آن آشنا کند».

تعادل میان امانت‌داری و ساده‌نویسی

در بخش دیگری از این نشست مریم طاهری‌مجد، نویسنده و روزنامه‌نگار مجموعه «داستان‌های شاهنامه» را اثری ارزشمند برای نسل نوجوان و جوان دانست و گفت: «طراحی مناسب، خوش‌دست بودن کتاب‌ها و کاربردی بودن آنها از جمله ویژگی‌هایی است که مطالعه این مجموعه را برای مخاطبان امروزی آسان‌تر می‌کند.» طاهری‌مجد همچنین بر ضرورت بازنویسی شاهنامه برای گروه‌های مختلف مخاطبان تأکید کرد و گفت: «انتقال شکوه و موسیقی کلام فردوسی به نثر، کار آسانی نیست اما این مجموعه توانسته است، میان وفاداری به متن اصلی و نیازهای مخاطب امروز تعادل مناسبی برقرار کند.» به اعتقاد او، نگاه سینمایی نویسنده در روایت داستان‌ها از نقاط قوت مجموعه به شمار می‌رود. او در عین حال پیشنهاد کرد: ترتیب انتشار جلدها بیش از پیش با ساختار و سیر روایی شاهنامه هماهنگ شود. طاهری‌مجد از معرفی دقیق اصطلاحات، جنگ‌افزارها، شهرها و مفاهیم فرهنگی و دینی شاهنامه نیز به عنوان دیگر ویژگی‌های مثبت این مجموعه یاد و تأکید کرد: «مهم‌ترین دستاورد آن، حفظ امانت در انتقال اندیشه فردوسی و نزدیک کردن شاهنامه به مخاطب معاصر است.»

میراثی زنده در حافظه ایرانیان

بهرام پروین‌گنابادی، استاد دانشگاه و پژوهش‌گر نیز با اشاره به استقبال مخاطبان از این مجموعه، سابقه بازنویسی و گزیده‌سازی شاهنامه را به قرن‌ها پیش بازگرداند و نمونه‌هایی از نخستین گزیده‌ها و ترجمه‌های شناخته‌شده این اثر را معرفی کرد و یادآور شد: «در روزگار معاصر نیز نویسندگان و هنرمندان بسیاری کوشیده‌اند که شاهنامه را در قالب‌های گوناگون از جمله نثر، نمایش، سینما، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای به نسل جدید معرفی کنند.» به باور او، بدون بهره‌گیری از این شیوه‌های نوین، نمی‌توان انتظار داشت، نوجوان امروز به‌طور مستقیم با متن اصلی شاهنامه ارتباط برقرار کند. گنابادی شاهنامه را بخشی از حافظه فرهنگی ایرانیان دانست و با نقل خاطراتی از زندگی‌د مهدراد بهار بر نقش روایت‌های شفاهی در انتقال این میراث تأکید کرد. او هم‌چنین از تجربهٔ شخصی خود در آشنایی با شاهنامه از طریق پدربزرگش سخن گفت و این آشنایی را یکی از عوامل گرایش به ادبیات و فرهنگ ایران دانست. پروین‌گنابادی یکی از دلایل موفقیت این مجموعه را نگاه سینمایی نویسنده دانست و گفت: «برجسته شدن عناصر دراماتیک داستان‌ها باعث می‌شود مخاطب، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، ارتباط عمیق‌تری با شخصیت‌ها و حوادث شاهنامه برقرار کنند. او در عین حال بر ضرورت توجه به دستاوردهای پژوهش‌های نسخه‌شناسی و وفاداری به متون معتبر شاهنامه تأکید کرد.»



سانسور حذف‌شدنی نیست

روایت **سیدعلی صالحی** از بیم و امیدهای انسان ایرانی

بوده و چقدر سانسور مستقیم و غیرمستقیم تعریف شده و تعریف نشده وجود داشت که کشور تبدیل به کشور شاعران شده است زیرا فقط در این زبان می‌توان اعتراض کرد و اجازه شروع اعتراض به هر شکل، زبان و فرم دیگر را نمی‌دهند وای به حال این که بخواهیم به پایان برسانیم. همه حکومت‌های گذشته هم همین بوده است.»

انسان ناامید است که فکر می‌کند

سیدعلی صالحی دربارهٔ فرآیند شکل‌گیری سانسور می‌گوید: «چهار تا پنج هزار سال طول کشیده تا سانسور شکل پیدا کند. به اشکال مختلف چهره دگر کرده است. سانسورچی‌ها هم با این مسأله مواجه هستند. خیلی‌ها عذاب وجدان دارند که می‌خواهند آن سطر نباشد اما کارمند هستند. به همین دلیل است که می‌گویم کسی مقصر نیست زیرا همه معلول جامعه و شرایط هستیم و هیچ‌کسی را نباید محکوم کرد زیرا همه مولود شرایط نادرست هستیم. اگر یک نفر را پیدا کردید که تا حدودی انسان درستی است، جای معجزه و حیرت است. این ملت با این پرونده و کارنامه پر از جنایتی که پشت سر دارند باید یکدیگر را می‌کشتند اما چقدر شریف هستند و سخت‌ترین شرایط را تحمل می‌کنند. سانسور همیشه بوده است و فردا و پس‌فردا نمی‌رود، این شعرها از دههٔ ۳۰ خورشیدی به این سو توسط نوعی تفکر مایل به شوروی سابق که امید از طریق واژه، سخن گفتن و شعر به مردم به زور می‌قبولانند، شکل گرفت و اشتباه بزرگی بود، تنها درمی‌موقف می‌شوند که ناامید شوند. انسان ناامید است که فکر می‌کند، انسان امیدوار نیازی به فکر کردن ندارد، چنین فردی در آموزش موفق شده است اما تا به حال کسی در امور اجتماعی موفق نشده است، اگر موفق شده بود که وضعیت جامعه این نبود. فقط افرادی که قربانی سیاست می‌شوند، آن‌ها موفق شده‌اند بقیه زندگان نه.

سیدعلی صالحی شعرش را با اجتماع پیوند زده است، در اشعار او می‌توان از عاشقی شروع کرد و به تاریخ رسید، می‌توان برای مسائل اجتماعی، هم‌درد پیدا کرد و به فردا امیدوار بود. به‌تازگی مجموعه ۶ جلدی «طرب‌نامهٔ کائنات» او توسط انتشارات بدرقه جاویدان منتشر شده است به همین مناسبت این شاعر شاخص معاصر در گفت‌وگو با ایرنا در پاسخ به این سوال که آیا توانسته آن‌چه را در ذهن و دل دارد با کلمات روی کاغذ بیاورد، می‌گوید: «نخستین نوشته‌هایم در سال ۱۳۵۲ خورشیدی منتشر شد، در آن زمان ۱۸ ساله و با این موضوع درگیر بودم اما شعر در زبان فارسی به دنیا آمده است تا بتواند با این معضل برخورد کند، بتواند حرف‌های مردم را در همهٔ زمان‌ها، در تمام مقاطع، با هر مشکلی که پیش‌رو است به تاریخ، زمان، انسان و کلمه منتقل کند. طبیعی است که دردهای روزگار اولجایتو و شاه شجاع یعنی حضرت حافظ در آن کרוکی کلان با امروز فرقی نکرده است اما در کروکی‌های ریز و حاشیه‌ای، شاهد تفاوت‌هایی هستیم. همان‌طور که در آن‌هایی که با حذف آثار نان می‌خورند حرف‌های شدند، اهل قلم هم حرف‌های شدیم و در این میانه مردم هم حرف‌های شدند و آن‌قدر مردم حرف‌های هستند که اگر کوچک‌ترین اشاره را با هزار پوشش و استعاره بگویم، آن‌ها می‌گویند خودش است، ما هم می‌خواستیم همین را بگویم و شما همین را گفتید. شعر در کشورهای پیرامونی به دنیا می‌آید تا بتواند عدم آزادی بیان را به شکلی تلافی کند و پاسخ بدهد. ما با انواع دیگر ادبیات و هنر نوشتن و واژه به هر شکل حرف بزیم مورد توبیخ و پرسش قرار می‌گیریم اما شعر این حسن بزرگ را دارد که هم حرف خود را می‌زنیم و هم می‌توانیم در حاشیه امنیتی کلماتی که انتخاب شده است، زندگی کنیم؛ در نتیجه شعر توصیه‌پذیر می‌شود و برای همین است که می‌گویند ایران سرزمین شعر است، این حرف مثبتی نیست، این نشان می‌دهد ما ستم دیدیم، چقدر بن‌یست

گزارش: هنر ایران

وظیفه هنرمندان و روشنفکران

آیدین آغداشلو می‌گوید ما وظیفه داریم جهان را تصحیح کنیم

شعر بنیان است

بنیان کار من اگر نقد درست بخواهد شود، شعر است. چه در مقاله‌هایی که نوشتم و چه مقاله‌هایی که داستان کوتاه بود. سوگ کیارستمی خیلی من را آذیت کرد، علی حاتمی هم همین‌طور. من همه را از دست دادم و من مثل کلاغ ۸۰ سال عمر کردم.

نقاشی

نقاشی ذهنم را مشغول می‌کند. یک‌بار به خودم گفتم، بس است دیگر، هفتاد سال نقاشی کردم. می‌خواهم و دیگر عشق می‌کنم اما بعد از مدتی بی‌تاب شدم، نشستم و گفتم باید چه‌کار کنم. دوباره مثل بچه آدم رفتم نشستم و کار کردم. هرچند این حجم کار برای سن من زیاد است.

نقاش مرگ‌اندیش

مرگ مقصد است و یأس و ناامیدی ندارد. یک راه طولانی طی شده و یک‌جایی تمام می‌شود. خیام می‌گوید: این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف / می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش. او به خدا می‌گوید اگر من را به این زیبایی ساختی چرا می‌شکنی. مرگ مقصد است. در قرآن آمده کُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ یعنی همه چیز نابود می‌شود به‌جز او. همه‌چیز واقعاً نابود می‌شود. در تمام زندگیم چاکر سعدی بودم. اما به شخصه همان‌قدر که مدیون سعدی بودم، مدیون خیام هم هستم. نگاه سؤال‌کننده درباره چرایی هستی. این سوال عظیم که ما چه‌کاره هستیم و آمده‌ایم چه‌کار کنیم. برای چه آوردند و برای چه می‌برند؟ او خودش هم به‌جایی نمی‌رسد. خیلی هدونیسمی می‌شود. به‌نظر می‌رسد که خیام آدم را به بعاشی راهنمایی می‌کند، در حالی که این‌گونه نیست. خیام می‌گوید من بنده آن دمم که ساقی گوید / یک جام دگر بگیر و من نتوانم و در شعر او، دم خیلی اهمیت دارد.

کیارستمی

عباس کیارستمی در مصاحبه‌ای یادش افتاد که مجموعه شعر من هنوز پیشش است. حافظه خوبی داشت و شعرهای من را از حفظ خواند. خودم یادم نبود. بعد از فوتش، پسرش بهمن کتاب را آورد به من داد و این مجموعه الان در کشوی من است. زمینه و خاستگاه هر دوی ما شعر بود. متأسفانه نقدهایی که درباره فیلم‌های عباس می‌نویسند از این شاعرانگی غافل می‌شوند. پایه و بنیان کار عباس است. از فیلم‌های او من گزارش را دوست دارم که از مهم‌ترین و اجتماعی‌ترین فیلم‌هایی است که ساخته شده.



ویژه جام جهانی ۲۰۲۶

شب سرنوشت در لس آنجلس

بازی سرنوشت‌ساز تیم ملی ایران برابر بلژیک در جام جهانی

تیم ملی ایران در دومین دیدار از مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶، امشب و از ساعت ۲۲:۳۰ به وقت تهران به‌مصاف تیم قدرتمند و پرستاره بلژیک می‌رود. این بازی برای تیم ملی ایران و صعود به مرحله بعدی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و اگر ملی‌پوشان بتوانند از این بازی مهم امتیاز بگیرند، آن‌وقت شاید بتوانند برای اولین‌بار در تاریخ حضورشان در جام جهانی به مرحله دوم صعود کنند. اما این بازی فقط برای ایران اهمیت ندارد. بلژیک در اولین بازی مرحله گروهی برابر مصر به تساوی یک-یک رسید و برای صدرنشینی در این گروه باید به سه امتیاز بازی دست پیدا کند. همه اینها به‌علاوه حواشی احتمالی بیرون و داخل ورزشگاه، دیدار دوم تیم ملی در ورزشگاه سوفای لس آنجلس را یک دیدار حساس و پرهیجان و سرنوشت‌ساز کرده است.

امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی ایران یکی از مهم‌ترین مسابقات دوران حرفه‌ای زندگی‌اش را تجربه می‌کند. او اگر بتواند بلژیک را متوقف کند، آن‌وقت مربی تاریخ‌ساز فوتبال ایران در جام‌های جهانی خواهد بود. او برای موفقیت در این مسابقه چشم به ستاره‌های باتجربه تیمش دارد. مهدی طارمی که احتمالاً با بازوبند کاپیتانی به زمین می‌آید، مهره کلیدی تیم است. او در بازی اول گل نزد اما نقش مهمی در روند و قدرت تهاجمی تیم داشت. اما درخشش رامین رضاییان در مسابقه اول، حالا توجه زیادی را به این مدافع راست ۳۷ ساله معطوف کرده است. رامین که بالاتر از لیونل مسی و کیلیان امباپه مؤثرترین بازیکن دور اول مسابقات بود، در بازی برابر بلژیک باید با ستاره‌های میلیون دلاری این تیم بجنگد. در یک‌سو، ایران امیر قلعه‌نویی قرار دارد؛ تیمی که از نظر کارشناسان خارجی یکی تیم منظم، مقاوم و جنگنده است که با دو بار جبران عقب‌افتادگی مقابل نیوزیلند، نشان داد از شخصیت بالایی برخوردار است. کارشناسان معتقدند تیم ملی ایران ساختار دفاعی مستحکمی دارد و در ضدحملات می‌تواند بسیار خطرناک باشد. رودی گارسیا، سرمربی تیم بلژیک می‌داند کار دشواری برابر تیم ملی ایران خواهد داشت و او برای این بازی احتمالاً روملو لوکاکو، ستاره مطرح‌اش در خط حمله را برای ترکیب اصلی در اختیار ندارد اما مثل بازی با مصر، حضور او در هر زمان از بازی می‌تواند فشار زیادی را روی خط دفاعی ایران بیاورد. بلژیک در این بازی به موتور خلاق تیمش یعنی کوین دی‌بروینه تکیه خواهد کرد تا کنترل مرکز زمین را در اختیار بگیرد و جریان مالکانه موردنظرش را شکل دهد. از این‌رو نقش هافبک‌های تیم ملی ایران که احتمالاً با عزت‌اللهی، قدوس، محمد محبی و آریا یوسفی شکل خواهد گرفت کار دشواری دارند. این مسابقه بیش از هر چیز یک نبرد تاکتیکی خواهد بود. هیچ‌یک از دو تیم توان تحمل اشتباه در مناطق مرکزی زمین را ندارند و کیفیت ارتباط خطوط دفاعی و دقت در یک‌سوم هجومی می‌تواند سرنوشت بازی را تعیین کند. بلژیک این مسابقه را فرصتی برای اثبات جایگاه خود به‌عنوان مدعی اصلی گروه می‌بیند و ایران امیدوار است با استفاده از ضدحملات سریع، اشتباهات انتقالی حریف را مجازات کند.



تیم قلعه‌نویی در فاز انتقال هجومی مقابل نیوزیلند خطرناک ظاهر شد، اما گاهی در برابر ضدحملات آسیب‌پذیر بود. مقابل هافبک‌های تکنیکی بلژیک به رهبری دی‌بروینه، از دست دادن نظم ساختاری می‌تواند بسیار خطرناک باشد. سعید عزت‌اللهی و سامان قدوس باید با جای‌گیری مناسب، مسیرهای بازی‌سازی بلژیک را مختل کنند. همچنین ایران هنگام تصاحب توپ باید سریع عمل کند و با پاس‌های قطری و مستقیم، از فضای پشت مدافعان کناری بلژیک استفاده کند. بزرگ‌ترین دغدغه کادر فنی ایران، ریکواری بازیکنان پس از مسابقه پرفشار مقابل نیوزیلند است. کادر پزشکی در تلاش است تا سعید عزت‌اللهی و سامان قدوس در بهترین شرایط ممکن به میدان بروند. در خط دفاعی، شجاع خلیل‌زاده پس از ۹۰ دقیقه سنگین مقابل نیوزیلند مشکلی ندارد و نقش کلیدی در مهار مهاجمان بلژیک خواهد داشت. در خط حمله نیز مهدی طارمی همچنان مهاجم اصلی خواهد بود و محمد محبی و مهدی قایدی مأموریت اجرای ضدحملات سریع را برعهده خواهند داشت.

تک به تک

روملو لوکاکو پس از ورودش مقابل مصر جریان بازی را تغییر داد و بار دیگر نشان داد مهم‌ترین مهره تهاجمی بلژیک است. در مقابل، شجاع خلیل‌زاده رهبر خط دفاعی ایران باید از نظر فیزیکی و ذهنی در بالاترین سطح خود باشد تا اجازه ندهد لوکاکو با بازی پشت به دروازه و قدرت بدنی‌اش ساختار دفاعی ایران را برهم بزند. کوین دی‌بروینه مغز متفکر بلژیک است و توانایی فوق‌العاده‌ای در شکستن خطوط دفاعی با پاس‌های عمقی دارد. عزت‌اللهی وظیفه دشواری برعهده دارد؛ او باید فضای بازی‌سازی دی‌بروینه را محدود کند و اجازه ندهد ستاره بلژیک به‌راحتی ریتم بازی را کنترل کند. بلژیک در پنج مسابقه آخرش دو مساوی یک-یک برابر مکزیک و مصر و دو برد پرگل برابرس تونس (۵-۰ صفر) و آمریکا (۵-۲) و یک برد (۲-۰ صفر) برابر کرواسی داشته است. آمار ۳ برد، ۲ تساوی، بدون شکست، ۱۰ گل زده و ۳ گل خورده قدرت این تیم را نشان می‌دهد. تیم ملی ایران نیز در پنج مسابقه آخرش یک مساوی برابر نیوزلند (۲-۲)، سه برد برابر مالی (۲-۰ صفر)، گامبیا (۵-۱) و کاستاریکا (۵-۰ صفر) و یک شکست مقابل نیجریه (۲-۱) داشته است. آمار ۳ برد، یک تساوی و یک شکست، ۱۴ گل زده و ۵ گل خورده آمار خوبی است اما حریفان تیم ملی قدرت حریفان بلژیک را نداشته‌اند.



شروعی بود و شانس ما شاعران زنده امروز و تک‌تک مردم فارسی‌زبان و فارسی‌خوان و ایرانی بوده که موجودات عجیبی مانند فردوسی، مولانا، حافظ و تا حدودی نیرا از آسمان برگزیده شده است.»

ای کاش نمیا شهرستانی نبود

سیدعلی صالحی در ادامه این گفت‌وگو می‌گوید: «ای کاش نیمه باسوادتر بود و ای کاش شهرستانی نبود. خیلی فرق می‌کند من شهرستانی هستم و وقتی وارد تهران شدم، زیستم آرام‌آرام وسعت گرفت. دیدم میان هنرمند شهرستانی و هنرمند در مرکز چقدر تفاوت است، تهران یک شهر نیست بلکه کشوری است با همه داشته‌ها و نعمت‌ها. به همین دلیل است وقتی یک اهل هنر از شهرستان به تهران می‌آید اگر هوشمند باشد، می‌تواند از این امکانات استفاده عالی ببرد؛ حتماً نواهیی در شهرستان هستند اما هیچ نمی‌شوند. فرد در شهرستان رسماً در حوزه شعر نابغه است اما وسط راه می‌برد، ناامید می‌شود و رها می‌کند، سانسور اجازه حرف زدن به او را نمی‌دهد، ناشر معتبر سراغش نمی‌رود و فقط محرومیت‌ها در خانه اهل هنر را می‌زنند می‌زدند و الان هم هست.»

عقیده، تفکر، اندیشه و خط و خطوط سیاسی که در قرن ۲۱ زندگی می‌کند و حافظ را می‌خواند، فکر می‌کند شاعر به زبان خودش حرف می‌زند، این عالی است و ما هم باید همین شیوه را داشته باشیم. اگر شعر در جریان خاص کلید شده و محکم گفته شود که می‌شود خسرو گل‌سرخ، می‌شود شعار دادن. من نمی‌پذیرم، شعر نجات‌دهنده است و باید نجات‌دهنده انسان باشد و به این‌که فرد چه نوع انسانی، کاری نداشته باشد. شعر از آن هیچ عقیده و خط و خطوط سیاسی و حزب و گروه نیست، مخصوصاً در زبان فارسی هرچه الان داریم و می‌توانیم به آن در حوزه فرهنگ افتخار کنیم، برای شعر ماست، در حوزه‌های دیگر گاهی ضدافتخار است. کلمه شعر چنان در فرهنگ ریشه دوانده است که وقتی از فردی که فیلم «خانه دوست کجا است» را تماشا کرده و از سینما بیرون می‌آید، پرسیده شد، فیلم چگونه بود؟ گفت: «شعر مطلق است.» شعر معجزه ملی برای تک‌تک افراد با سواد و کم‌سواد شده است، چه مادری سواد من که حافظ را از حفظ می‌خواند و چه فیلسوف دانشگاهی. شعر تا الان ما را نجات داده، رمان که تا به حال نداشته‌یم. شاهنامه رمان منظوم است اما به مفهوم قرن نوزدهمی با مفهوم تعریف اروپا و تولد خرده بورژوازی رمان محسوب نمی‌شود. شاهنامه

نکرده است زیرا تا غریب آمد؛ مردم سریع ورود بیگانه را بستند و هر جا نتوانستند مانع شوند، او را تبدیل به ایرانی شدن کردند. هولاکوخان چرا باید ادعا کند که از نژاد کیانیان است؟ او که مغول بود. این اقدام برای تفکر اندیشه و توانایی تاریخی مردم است. مردم ما توانا هستند و در عین حال گاهی چندرنگ عمل می‌کنند و تزویر هم دارند. آنی که می‌گوید دروغ نگویم، دشمن یشریت است. دروغ گاهی ما را از اعدام نجات می‌دهد این ملت هم یاد گرفته است که گاهی دروغ را به تفکر مثبت و به ابزار تبدیل کند؛ ابزاری برای ثابت کردن راستی‌ها یعنی تضاد و تناقض مطلق است، اما زیباست و شعر است.»

امکان و امتناع سانسور در شعر

صالحی در ادامه دربارهٔ امکان و امتناع سانسور در شعر می‌گوید: «شعری که قابل سانسور باشد و سانسورچی بتواند بگوید که این باشد، آن نباشد، دیگر شعر نیست؛ شعر جایی می‌ایستد که سانسورچی، شاعر و مردم زیر آن قرار می‌گیرند زیر مجموعه شعراند نه این‌که دستش را رو کند، شعر باید آن‌قدر عزت و عظمت خلاقه داشته باشد که دشمنانش هم وقتی آن را می‌خوانند، لذت ببرند. فکر می‌کنید چسرا فردی با هر نوع

شهرت و رنج؟

من از متافیزیک فاصله گرفتم. مدتی است که دیگر از کشف و شهود فاصله گرفتم و هنوز هم ندارم. چرایی‌اش خیلی پیچیده است. هنر منم مثل موندریان یک ذهن هندسی داشته باشد. فضای ذهن من به کلی از متافیزیک تسویه شده است. شرایط اجتماعی خیلی در این مورد تأثیر داشت. اما در عین حالی که از متافیزیک وصل نیستم، به‌نوعی با فاصله و دورتر به مهربانی وصل هستم. همانقدر که نمایش می‌دهم هستی منفجر، مخدوش یا پاره‌پاره می‌شود، در عین حال به هستی مهر می‌ورزم. خود طبیعت زیباست و طبیعت آدم‌ها هم زیباست.

تضاد جوانی و آسیب

جوانی چیز زیبایی است، حتی اگر مفهوم عمیق و حتی اگر هویت نداشته باشد. جوانی به‌خودی خود قشنگ است. شرایط بیرونی مهم است که مجال جوانی بدهد. شرایط درونی هم هست و آن جوان در هر شرایط و سختی خودش را اثبات می‌کند. آدمی مثل کیارستمی در جوانی نابغه دهر است. جوان‌های ما خیلی دانا هستند. این‌همه تحقیقات و نقد و بررسی. این‌همه عشق و شور به تعالی. وقتی به جوان‌ها نگاه می‌کنم، کیف می‌کنم. جوان‌ها خیلی مانع دارند و اینطوری نیست که بزرگان قوم این موضوع را ندادند. عمداً نمی‌خواهند کاری کنند. چون جهانی که اکنون جاری است، برمبنای تمدن انسان امروز شکل گرفته و حکومت یا دولتی اصلاً این را قبول نداشته باشد، در بنیان و فکر معتقد است که همه دارند اشتباه می‌کنند. پس هرچیزی که تمایلی به آن سمت و سو داشته باشد و هر کسی به این چارچوب تکیه دهد، آن چارچوب را با لگد می‌شکنند. چرا وقتی یکی دارد می‌دود برای او پشت پا بگیرند. این حرکت معنا دارد. این حرکت تو را از آنچه نباید منع می‌کند. جوان‌ها آمده‌اند که باید‌ها را تغییر دهند. یک جریان گسترده و وسیع است. من در جوانی نیرو و جهش می‌بینم. تصور اینکه جهان را جای بهتری کنند واضح است و من شیفته این هستم. اصلاً ناامید نیستم.

سینمای ایران

نسبت به سینمای ایران خیلی علاقه ندارم. راستش از فیلم‌ها خوشم نمی‌آید. یکی از عللش این است که سینمایی که اینقدر تحت تسلط سانسور ساخته می‌شود، نمی‌توان فهمید فیلم چقدر مال فیلم‌ساز است و چقدر فرمایشی است. نقاشی هم همین‌طور است. برای نمایش نقاشی مجوز می‌خواهد. فکر می‌کنم بیشتر فیلم‌های کم‌دی دلق‌بازی است. اما یکی از مشغولیت‌های من تماشای کلیپ‌های کوچکی است که در اینستاگرام یا هرجایی می‌گذارند. واقعاً کیف می‌کنم. می‌دانم حرفم روشنفکرانه نیست ولی وقتی خیلی اوقاتم تلخ است، این ویدئوها را نگاه می‌کنم. خیلی

بامزه و خنده‌دار هستند. از خنده غش می‌کنم. فوق‌العاده بامزه هستند. هیچ منعی برای ساختشان ندارند. استعدادها فوق‌العاده است. من می‌میرم برایشان. عاشق‌شان هستم. این استعداد جوانی است.

عشق

تعریف عشق دشوار است. سال‌های ۵۹-۶۰ از نظر اقتصادی و اجتماعی بسیار برای من دشوار بود. واقعاً خودم را می‌کشتم تا زندگی خودم و اطرافیانم را تأمین کنم. خیلی خیلی سخت بود. عشق هم مفهومش در طول سال‌ها تغییر کرد. آن شور همیشه بود اما آرام‌آرام اصلاح و لطیف شد و معانی دیگری به آن اضافه شد مثل مهربانی. آدمی که راجع به عشق صحبت می‌کند، ناچار می‌شود در بافت گسترده‌تری ببیند. در جوانی عشق و مهربانی فقط متوجه یک‌طرف می‌شود اما در سنین پختگی اگر آدم هنوز عاقل مانده باشد این عشق عمده‌تر می‌شود.

کار کردن در دو حکومت

خیلی آسان نبود. مگر اینکه آدمی مثل من اعتقاد داشته باشد معنای جهان خیلی کلی‌تر است و هر چیز دیگری در آن می‌گنجد. مصلحت‌اندیشی نیست. این باور داشتن به شریف بودن زندگی و شریف بودن انسان است. پیش از انقلاب بود، بعد از انقلاب هم بود و هنوز هم هست. اگر کاری از دستم برمی‌آید باید برای این بخش کنیم. ما با ملت شریفی طرفیم که خواست در آنها وجود دارد. پیش از انقلاب هم بود. بچه‌ها می‌خواستند بفهمند در دنیا چه‌خبر است.

تصحیح جهان

من مثل هر روشنفکر دیگری فکر می‌کنم قرار بر این است که بر تصحیح جهان کوشش کنم. این وظیفه روشنفکر است. باید جهان خودش را تصحیح کند. اروپای قرن هجدهم را بدون ولتر و گوته نمی‌توان تصور کرد. یکی دو تا نیستند. اینها همه آمدند که جهان را جای بهتری کنند. این یک لبه تیز و لغزنده است. من نتوانستم تعادلم را حفظ کنم، گاهی از این‌ور و گاهی از آن‌ور افتادم اما نیت‌ام خیر بوده است.

ماندن یا رفتن

تصمیم‌گیری که کار درست میان ماندن و رفتن چیست، بسیار سخت است. بهرام بیضایی رفت. بارها مقاله می‌نوشتیم از ما جماعت کسی نباید برود که اگر کسی کمک خواست با گاز زخم‌بندی و بتادین به کمک بشتاییم. اما الان اینطوری فکر نمی‌کنم. چون بیضایی را نمی‌گذاشتند کار کند. کار درست برای بیضایی این بود که برود. بعدها نوشتم وطن آدم جایی است که بتواند تولید کند. خاک و بوی رشت فقط نیست، باید جایی باشد که آدم معنای خودش را بروز بدهد. اگر نگذارند کار کنند، مهاجرت می‌کنند مثل ناصر خسرو. درباره داریوش شایگان فکر می‌کنم با اندیشه درستی این کار را کرد. وقتی فهمید باید اینجا باشد، ژنو را رها کرد و آمد.

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

تحت فشار

استرس مالی با روان خانواده‌ها چه می‌کند؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

«استرس مالی» مفهومی است که شاید کمتر از تورم، رکود یا بیکاری در ادبیات اقتصادی ایران شنیده شده باشد اما در بسیاری از مواقع ریشه مشترک همه این بحران‌هاست. زمانی که نااطمینانی افزایش می‌یابد، ارزش دارایی‌ها دچار نوسان می‌شود، سرمایه‌گذاران محتاط‌تر می‌شوند و نظام بانکی با محدودیت‌های فزاینده مواجه می‌شود، اقتصاد وارد مرحله‌ای می‌شود که اقتصاددانان از آن با عنوان استرس مالی یاد می‌کنند. در چنین شرایطی، بازارهای مالی دیگر کارکرد طبیعی خود را از دست می‌دهند و آثار این اختلال به‌تدریج به بخش واقعی اقتصاد سرایت می‌کند؛ از کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی گرفته تا افزایش بیکاری و کاهش رفاه خانوارها. اقتصاد ایران در دو دهه گذشته بارها با شوک‌های مالی مواجه شده است. شوک‌هایی که گاه از جهش نرخ ارز آغاز شده‌اند، گاه از تورم‌های بالا و گاه از تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی. اما پرسش مهم این است که آیا می‌توان این فشارها را در قالب یک شاخص واحد اندازه‌گیری کرد و از طریق آن به تصویری روشن‌تر از وضعیت اقتصاد رسید؟ پژوهش تازه‌ای که در فصلنامه اقتصاد مالی منتشر شده، تلاش کرده است به همین پرسش پاسخ دهد. نویسندگان مقاله با طراحی «شاخص جامع استرس مالی» برای اقتصاد ایران، کوشیداند تصویری کلی از میزان فشار و نااطمینانی موجود در اقتصاد کشور ارائه کنند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که استرس مالی صرفاً یک مسئله محدود به بانک‌ها یا بازار سرمایه نیست بلکه می‌تواند بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و حتی رفاه خانوارها اثر بگذارد. در ادبیات اقتصادی، استرس مالی به شرایطی گفته می‌شود که در آن نااطمینانی افزایش پیدا می‌کند، ارزش دارایی‌ها دچار نوسان می‌شود، سرمایه‌گذاران محتاط‌تر می‌شوند و تمایل به سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. در چنین وضعیتی، بازارهای مالی به‌دستری کار نمی‌کنند و این اختلال به‌تدریج به بخش واقعی اقتصاد سرایت می‌کند. نتیجه آن می‌تواند کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و افت فعالیت‌های تولیدی باشد. نویسندگان این پژوهش معتقدند، شاخص‌های متداول مالی نمی‌توانند به تنهایی وضعیت اقتصاد ایران را توضیح دهند زیرا بخش مهمی از نااطمینانی‌ها از متغیرهای غیراقتصادی یا بیرونی ناشی می‌شود. به همین دلیل در این مطالعه، متغیرهایی مانند نرخ ارز، قیمت طلا، نرخ تورم، شاخص بورس، نرخ سود بانکی، قیمت نفت و رشد اقتصادی شرکای تجاری ایران به‌طور هم‌زمان در محاسبه شاخص استرس مالی لحاظ شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سه عامل بیش از همه به افزایش استرس مالی در اقتصاد ایران دامن زده‌اند: تورم، نرخ ارز و قیمت طلا. هر زمان که این متغیرها جهش کرده‌اند، شاخص استرس مالی نیز افزایش یافته است. در مقابل، افزایش نرخ سود بانکی، رشد اقتصادی کشورهای طرف تجاری ایران و بهبود درآمدهای نفتی نتوانسته‌اند، بخشی از فشار وارد بر نظام مالی را کاهش دهند. مطالعه همچنین نشان می‌دهد که شاخص استرس مالی به خوبی بحران‌های مهم دو دهه اخیر را منعکس می‌کند. جهش ارزی سال ۱۳۹۱، تشدید تحریم‌ها، کاهش درآمدهای نفتی، خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و نوسانات شدید بازار سرمایه در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ همگی در روند این شاخص قابل مشاهده هستند. به بیان دیگر، هر بار که اقتصاد ایران با یک شوک بزرگ مواجه شده، سطح استرس مالی نیز افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین یافته‌های مقاله آن است که استرس مالی تنها محصول رویدادهای خارجی نیست. بخشی از این فشارها از ضعف‌های ساختاری نظام بانکی و اقتصادی کشور ناشی می‌شود. نسبت بالای تسهیلات به دارایی بانک‌ها، مشکلات نقدینگی، وابستگی به درآمدهای نفتی و شکنندگی بازارهای مالی از جمله عواملی هستند که می‌توانند حتی در نبود شوک‌های خارجی نیز زمینه‌ساز بی‌ثباتی شوند. پیامد این وضعیت برای اقتصاد کلان قابل توجه است. هنگامی که استرس مالی افزایش می‌یابد، بانک‌ها محتاط‌تر می‌شوند، اعطای تسهیلات کاهش پیدا می‌کند، سرمایه‌گذاری افت می‌کند و رشد اقتصادی تحت‌فشار قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، سیاست‌های پولی نیز کارایی کمتری خواهند داشت و مدیریت اقتصاد دشوارتر می‌شود. شاید مهم‌ترین پیام این پژوهش برای سیاستگذاران آن باشد که بحران‌های مالی معمولاً ناگهانی ظاهر نمی‌شوند. پیش از وقوع بحران، نشانه‌هایی در متغیرهای اقتصادی دیده می‌شود که می‌تواند به‌عنوان زنگ هشدار عمل کند. شاخص جامع استرس مالی، تلاشی برای تبدیل این نشانه‌های پراکنده به یک تصویر واحد است؛ تصویری که به سیاستگذاران امکان می‌دهد روند افزایش نااطمینانی و فشار در اقتصاد را زودتر تشخیص دهند و پیش از آنکه بحران به بخش واقعی اقتصاد سرایت کند برای مهار آن اقدام کنند. این پژوهش یک هشدار روشن در خود دارد: اقتصاد ایران بیش از آنکه با یک مشکل مقطعی روبرو باشد با مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده مواجه است که از تورم و نرخ ارز تا نظام بانکی و تحریم‌ها را در بر می‌گیرد. تا زمانی که این عوامل به‌صورت هم‌زمان مدیریت نشوند، استرس مالی همچنان یکی از ویژگی‌های پایدار اقتصاد ایران باقی خواهد ماند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

زندگی در لبه بقاء

استان‌های فقیر چگونه با تورم سه‌رقمی و بیکاری بالا زندگی می‌کنند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

«جامعه ایران به لحاظ روحی و روانی بسیار فرسوده شده و نیازمند احیای اعتماد و چشم‌انداز مثبت است». این توصیف مسعود نیلی از وضعیتی است که امروز میلیون‌ها ایرانی با آن زندگی می‌کنند. وضعیتی که در برخی استان‌های کشور ابعاد نگران‌کننده‌تری پیدا کرده است. در کرمانشاه، ایلام، کردستان و لرستان، تورم با بیکاری مزمن، درآمدهای ناپایدار و فرصت‌های محدود اقتصادی، شرایط بسیار نگران‌کننده‌ای ایجاد کرده است. در این مناطق بسیاری از خانوارها برای حفظ حداقل‌های معیشت تلاش می‌کنند اما وقتی هزینه‌های زندگی با سرعتی بی‌سابقه افزایش می‌یابد و هم‌زمان فرصت‌های شغلی کمیاب‌تر می‌شود، زندگی روزمره به نبردی دائمی برای بقاء تبدیل می‌شود. پرسش اینجاست که استان‌های فقیر ایران چگونه زیر فشار هم‌زمان تورم‌های سنگین و بیکاری بالا به زندگی ادامه می‌دهند؟ وضعیت تورم برای استان‌های محروم روزبه‌روز بدتر می‌شود. استان‌هایی که هم پیشترین بیکاری را تحمل می‌کنند و هم تورم سنگینی روی شانه‌هایشان احساس می‌کنند. اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معتقدند زمانی که تورم بالا، بیکاری گسترده و احساس بی‌آیندگی هم‌زمان رخ دهند، احتمال بروز تنش‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. همان‌طور که مسعود نیلی در گفت‌وگوی اخیر خود هشدار داده که «استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام و لرستان که بالاترین تورم‌ها را داشته‌اند، بالاترین نرخ بیکاری را هم داشته‌اند. این وضعیت بسیار خطرناک است و در شرایطی نیستیم که بخواهیم همین مسیر را ادامه بدهیم». به بیان ساده، وقتی مردم هم قدرت خرید خود را از دست بدهند و هم امکان یافتن شغل مناسب را نداشته باشند، نارضایتی اقتصادی می‌تواند به نارضایتی اجتماعی تبدیل شود. به همین دلیل، ترکیب تورم بالا به اضافه بیکاری بالا یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تنش‌های اجتماعی در جوامع محسوب می‌شود. بیایید موضوع را دوباره مرور کنیم.

فشار هم‌زمان تورم و بیکاری

در سال‌های اخیر، تورم به مهم‌ترین مسئله اقتصادی ایران تبدیل شده است. اما تورم در همه جای ایران به یک شکل تجربه نمی‌شود. اگرچه افزایش قیمت‌ها بر زندگی همه خانوارها اثر گذاشته اما فشار آن در برخی استان‌ها بسیار سنگین‌تر از سایر نقاط کشور است. استان‌هایی مانند کرمانشاه، ایلام، کردستان و لرستان نه‌تنها با نرخ‌های بالای تورم مواجهند بلکه هم‌زمان از بالاترین نرخ‌های بیکاری کشور نیز رنج می‌برند. همین هم‌زمانی تورم و بیکاری، شرایطی را ایجاد کرده که بسیاری از خانوارها را در موقعیتی قرار داده که دیگر مسئله آنها بهبود کیفیت زندگی نیست؛ بلکه حفظ حداقل‌های معیشت و بقاست. اقتصاددانان معمولاً از تورم و بیکاری به‌عنوان دو شاخص مجزا یاد می‌کنند اما در زندگی واقعی مردم این دو پدیده به یکدیگر

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بورس در ایستگاه احتیاط

چرا شاخص کل ۸۰ هزار واحد از رشد روزانه خود را از دست داد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

بازار سهام روز شنبه را با یک پیام دوگانه به پایان رساند؛ از یک‌سو شاخص‌های اصلی همچنان سبزپوش ماندند و از سوی دیگر بخش بزرگی از رشد ابتدای روز در میانه معاملات از دست رفت. این رفتار متناقض نشان می‌دهد که بورس تهران پس از چند هفته رشد پرشتاب وارد مرحله جدیدی شده است؛ مرحله‌ای که در آن هیجان خرید، جای خود را به احتیاط و شناسایی سود داده است. معاملات روز شنبه با موجی از خوش‌بینی آغاز شد. در دقایق ابتدایی بازار، شاخص کل نزدیک به ۹۰ هزار واحد افزایش یافت و حتی تا محدوده پنج میلیون و ۲۴۰ هزار واحد نیز پیش رفت. در آن لحظات به‌نظر می‌رسید، روند صعودی روزهای گذشته همچنان با قدرت ادامه دارد و بازار آماده فتح قله‌های جدید است. اما این وضعیت چندان دوام نیاورد. با افزایش عرضه‌ها و ورود فروشندگان، بخشی از خریداران

گره خورده‌اند. تورم قدرت خرید را کاهش می‌دهد و بیکاری امکان جبران این کاهش را از بین می‌برد. در نتیجه خانواری که در تهران یا اصفهان ممکن است بتوانند با شغل دوم یا درآمدهای جانبی بخشی از فشار تورم را جبران کنند، در استان‌های کم‌برخوردار اغلب چنین امکانی ندارد. در کرمانشاه، ایلام یا بخش‌هایی از کردستان بسیاری از خانوارها سال‌هاست که با درآمدهای محدود زندگی می‌کنند. این مناطق پیش از آنکه تورم‌های سنگین سال‌های اخیر آغاز شود نیز با مشکلات ساختاری بازار کار مواجه بودند. نرخ مشارکت اقتصادی پایین، کمبود سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت‌های صنعتی و مهاجرت گسترده نیروی انسانی ازجمله ویژگی‌های مشترک این استان‌هاست. اکنون تورم بالا بر بستری از همین محرومیت‌های تاریخی سوار شده و آسیب‌پذیری خانوارها را چند برابر کرده است. نخستین واکنش خانوارها به تورم شدید، تغییر الگوی مصرف است.

خانواده‌ها پیش از هر چیز از هزینه‌هایی صرف‌نظر می‌کنند که حذف آنها فوراً زندگی روزمره را مختل نمی‌کند. خرید پوشاک، تفریح، سفر، تعمیرات منزل و بسیاری از کالاهای بادوام به تعویق می‌افتد. اما با ادامه تورم، نوبت به حذف اقلام ضروری‌تر می‌رسد. مصرف گوشت، لبنیات، میوه و حتی برخی خدمات درمانی کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی خانوارها به جای آنکه برای ارتقای کیفیت زندگی برنامه‌ریزی کنند، دائماً در حال بازنگری در فهرست هزینه‌هایی هستند که می‌توان حذف کرد. در بسیاری از مناطق محروم، تورم به‌معنای کوچک‌تر شدن سفره‌هاست. خانواده‌ای که چند سال قبل می‌توانست در طول هفته چند وعده گوشت مصرف کند اکنون شاید تنها در مناسبت‌های خاص چنین امکانی داشته باشد. برخی خانوارها برای کنترل هزینه‌ها به کالاهای ارزان‌تر روی می‌آورند و برخی دیگر ناچارند، بخشی از نیازهای غذایی خود را کنار بگذارند. نتیجه این روند چیزی فراتر از یک مسئله اقتصادی است؛ زیرا کیفیت تغذیه، سلامت جسمی و حتی عملکرد آموزشی کودکان را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. اما فشار اصلی زمانی آشکار می‌شود که تورم با بیکاری ترکیب می‌شود. در استان‌هایی مانند کرمانشاه و ایلام بسیاری از جوانان اساساً شغل پایداری ندارند. خانواده‌ها در چنین شرایطی نه‌تنها با افزایش هزینه‌های زندگی مواجهند بلکه امکان افزایش درآمد نیز برای آنها محدود است. اگر فردی در یک کلان‌شهر بتواند با اضافه‌کاری یا اشتغال در بخش خدمات بخشی از فشار تورم را جبران کند، در بسیاری از شهرهای کوچک و مناطق محروم چنین فرصت‌هایی وجود ندارد. در نتیجه شبکه خانواده و خویشاوندی به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بقاء تبدیل می‌شود.

در بسیاری از مناطق غربی کشور، خانوارها از طریق حمایت متقابل اعضای خانواده، قرض‌های کوچک، اشتراک منابع و کمک‌های غیررسمی روزگار می‌گذارند. این شبکه‌های اجتماعی در کوتاه‌مدت، نقش ضربه‌گیر را ایفا می‌کنند اما با طولانی شدن بحران اقتصادی، خود آنها نیز فرسوده می‌شوند. وقتی همه اعضای یک شبکه خانوادگی هم‌زمان تحت فشار اقتصادی قرار داشته باشند، ظرفیت حمایت از یکدیگر کاهش پیدا می‌کند. یکی دیگر از پیامدهای مهم

تورم و بیکاری، افزایش مهاجرت است. بسیاری از جوانان استان‌های محروم، مهاجرت به تهران، البرز، اصفهان یا استان‌های جنوبی را تنها راه بهبود وضعیت خود می‌دانند. این مهاجرت‌ها گاهی موقت و برای کارهای فصلی است و گاهی به خروج دائمی از استان منجر می‌شود. نتیجه این روند، تضعیف بیشتر اقتصاد محلی و کاهش سرمایه انسانی در مناطق محروم است. به بیان دیگر همان استان‌هایی که بیش از هر چیز به نیروی کار و سرمایه انسانی نیاز دارند بیش از سایر مناطق با مهاجرت مواجه می‌شوند. تورم بالا فقط جیب مردم را خالی نمی‌کند؛ بلکه بر روان جامعه نیز اثر می‌گذارد. وقتی خانوارها هر روز شاهد افزایش قیمت‌ها هستند، احساس نااطمینانی نسبت به آینده تشدید می‌شود. برنامه‌ریزی بلندمدت دشوار می‌شود و افق تصمیم‌گیری کوتاه‌تر و کوتاه‌تر می‌گردد. خانواده‌ها کمتر به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری یا آموزش بلندمدت فکر می‌کنند و بیشتر درگیر حل مسائل روزمره می‌شوند. این وضعیت به‌تدریج امید اجتماعی را فرسوده می‌کند.

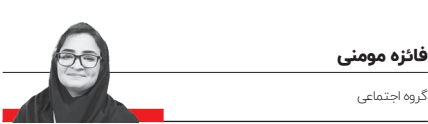
در استان‌هایی که هم‌زمان با تورم بالا، نرخ بیکاری نیز زیاد است این فرسایش روانی شدت بیشتری پیدا می‌کند. جوانی که نه شغل مناسبی دارد و نه چشم‌انداز روشنی برای آینده می‌بیند به مرور احساس بی‌قدرتی و بی‌تأثیری می‌کند. این احساس می‌تواند خود را در قالب کاهش مشارکت اجتماعی، مهاجرت، انزوا یا حتی بروز برخی آسیب‌های اجتماعی نشان دهد. از سوی دیگر، تورم شدید رابطه مردم با نهادهای حکمرانی را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که خانوارها بخش بزرگی از درآمد خود را صرف تأمین نیازهای اولیه می‌کنند، مطالبات آنها نیز تغییر می‌کند. در چنین شرایطی، اشتغال، ثبات قیمت‌ها و امنیت اقتصادی به مهم‌ترین خواسته‌های جامعه تبدیل می‌شود. اگر مردم احساس کنند، سیاست‌ها قادر به بهبود وضعیت معیشتی نیست، اعتماد عمومی نیز آسیب می‌بیند. همین مسئله است که برخی اقتصاددانان از آن با عنوان «پیوند میان تورم و سرمایه اجتماعی» یاد می‌کنند. سرمایه اجتماعی تنها به‌معنای اعتماد میان مردم نیست بلکه اعتماد مردم به آینده، به نهادها و به امکان بهبود شرایط را نیز در بر می‌گیرد.

هرچه تورم طولانی‌تر و شدیدتر باشد، بازسازی این اعتماد دشوارتر خواهد شد. با این حال نباید فراموش کرد که زندگی در این استان‌ها صرفاً روایت فقر و محرومیت نیست. بسیاری از خانوارها، راهبردهای متنوعی برای سازگاری با شرایط پیدا کرده‌اند. توسعه مشاغل خرد، فعالیت‌های خانگی، استفاده از ظرفیت‌های محلی، اشتغال فصلی و گسترش شبکه‌های حمایتی بخشی از این راهبردهاست. این سازوکارها اگرچه نمی‌توانند مشکل اصلی را حل کنند اما نشان می‌دهند که جامعه در برابر فشارهای اقتصادی کاملاً منفعل نیست. پرسش اصلی اما همچنان باقی است: این وضعیت تا چه زمانی می‌تواند ادامه پیدا کند؟ تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تداوم هم‌زمان تورم بالا و بیکاری گسترده تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه به‌تدریج به مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، فشارهای معیشتی با احساس ناامیدی و کاهش اعتماد عمومی پیوند می‌خورد و می‌تواند، پیامدهایی فراتر از حوزه اقتصاد داشته باشد. امروز زندگی در استان‌های فقیر ایران بیش از هر زمان دیگری به آزمونی برای تاب‌آوری اجتماعی تبدیل شده است. خانوارها هر روز در حال سازگاری با شرایط جدید هستند اما ظرفیت این سازگاری نامحدود نیست. پرسش مهم این نیست که مردم چگونه با تورم سه‌رقمی و بیکاری بالا زندگی می‌کنند؛ پرسش مهم‌تر این است که تا چه زمانی می‌توانند چنین شرایطی را تحمل کنند و چه زمانی سیاست‌گذاری اقتصادی خواهد توانست، فشار را از دوش استان‌هایی بردارد که بیش از دیگران هزینه بحران‌های اقتصادی را پرداخته‌اند.

نشانه دیگر این احتیاط را می‌توان در رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی مشاهده کرد. سرانه فروش حقیقی‌ها بالاتر از سرانه خرید بود و قدرت خرید حقیقی‌ها در محدوده منفی قرار گرفت. این مسئله حکایت از آن دارد که در جریان معاملات شنبه، تمایل به فروش بیش از تمایل به خرید بوده است. با این وجود هنوز نمی‌توان از تغییر روند بازار سخن گفت. یکی از نکات مهم معاملات شنبه، بازگشت برخی نمادها از محدوده منفی به مثبت بود. این رفتار نشان می‌دهد که در سطوح پایین‌تر قیمتی همچنان تقاضای فعالی در بازار وجود دارد و خریداران حاضرند از افت قیمت‌ها برای ورود استفاده کنند. چنین الگویی معمولاً به‌عنوان نشانه‌ای از تداوم حضور نقدینگی در بازار تلقی می‌شود. از سوی دیگر ارزش معاملات همچنان در سطوح بسیار بالایی قرار دارد. ثبت بیش از ۴۷ هزار میلیارد تومان ارزش معاملات خرد نشان می‌دهد که نقدینگی هنوز از بازار خارج نشده و بورس همچنان یکی از مهم‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. هرچند خروج بیش از سه هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام، نشانه‌ای از احتیاط سرمایه‌گذاران است اما حجم بالای معاملات نشان می‌دهد که گردش پول در بازار همچنان ادامه دارد. به نظر می‌رسد، بورس در حال ورود به مرحله‌ای است که در آن تحلیل، ارزندگی و گزارش‌های بنیادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و نقش هیجان در تصمیم‌گیری‌ها کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، تداوم روند صعودی بازار بیش از هر چیز به توانایی بورس در جذب تقاضای جدید و حفظ جریان نقدینگی وابسته خواهد بود.

شروع تابستان داغ

بحران اقلیمی در ایران؛ هشدار قرمز هواشناسی درباره «تابستان سوزان» و جدال کارشناسان بر سر سایه ال‌نینو



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

با آغاز رسمی فصل تابستان در کشور، گزارش‌های منتشر شده از سوی نهادهای هواشناسی از موج جدید و بی‌سابقه‌ای از افزایش دما حکایت دارد که می‌تواند، بخش‌های وسیعی از زیرساخت‌های کشاورزی و منابع آبی این کشور را با بحرانی جدی مواجه کند.
درحالی که برخی از مسئولان و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند، دمای هوا در اکثر مناطق ایران تا دو درجه بالاتر از حد نرمال برود، پیشکسوتان این رشته معتقدند که نباید درباره تأثیرات پدیده‌های جهانی مانند «ال‌نینو» بزرگ‌نمایی کرد.

هشدار به کشاورزان؛ روند صعودی دما تا اواسط هفته

محمد اصغری، از کارشناسان سازمان هواشناسی ایران، روز شنبه ۳۰ خرداد با تشریح آخرین وضعیت جوی از استمرار یک «گرمای نسبتاً غیرمتعارف» در بخش‌های وسیعی از کشور خبر داد.
به گفته او این روند افزایشی دست‌کم تا روز سه‌شنبه، دوم تیرماه، ادامه خواهد داشت. این کارشناس با توجه به تشدید تنش گرمایی، هشدار ویژه‌ای به باغداران و فعالان حوزه کشاورزی، به‌ویژه در استان‌های غربی مانند ایلام، صادر کرد و از آنها خواست تا عملیات آبیاری باغات را تنها به ساعات خنک شبانه‌روز موکول کنند تا از هدررفت منابع محدود آب جلوگیری شود. مقامات

جامعه

زمان پایان تجمعات شبانه

گزارش نشست خبری سخنگوی وزارت کشور

گروه اجتماعی: «درحالی که فضای سیاسی و اجتماعی کشور همچنان تحت‌تأثیر تحولات پس از جنگ و مباحث مرتبط با تفاهم‌نامه اخیر قرار دارد، علی‌زینی‌وند، سخنگوی وزارت کشور روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ در نشستی خبری به تشریح آخرین اقدامات و برنامه‌های دولت در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و اجرایی پرداخت. این نشست که با حضور خبرنگاران رسانه‌های مختلف برگزار شد به موضوعاتی ازجمله وضعیت بازار و معیشت مردم، مقابله با انحصارهای اقتصادی، مدیریت مراسم‌های ملی و مذهبی همچنین تعیین تکلیف انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا اختصاص داشت.
موضع‌گیری صریح سخنگوی وزارت کشور در برابر ادبیات هتاکانه برخی مداحان، یکی از تیزترین بخش‌های این نشست بود. زینی‌وند با اشاره به ماجرایی تهدید شخص دوم کشور توسط یک مداح معروف در روزهای گذشته بدون رودربایستی این رفتارها را محکوم کرد و گفت: «اینکه یک مداح در تریبون رسمی ماه محرم، رئیس‌جمهور محترم که مقام معظم رهبری صراحتاً بر دلسوزی و حسن‌نظر ایشان تأکید کرده‌اند را تهدید کند به هیچ‌عنوان قابل قبول نیست. می‌گویند شوخی کرده‌ام اما من این نوع ادبیات را برنمی‌تابیم و تقاضا داریم این رفتارها کنترل شود». وی با تأکید بر اینکه بیانیه رهبری درباره تفاهم‌نامه کاملاً روشن‌گرانه است و نباید با تفسیرهای گزینشی و جناحی کشور را چندپاره کرد، افزود: «وقتی تریبونی برای نیم ساعت در اختیار کسی قرار می‌گیرد، حق ندارد از آن برای بیان دیدگاه‌های شخصی خود استفاده کند و دوگانگی تدررو و کندرو راه بیندازد».

در وقایع ۱۸دی حتی یک کیوسک خالی هم سقوط نکرد!

معاون سیاسی وزارت کشور با رد قاطع ادعای رسانه‌های خارجی مبنی بر سقوط برخی مناطق مرزی در حوادث دی‌ماه، آن را کاملاً بی‌اساس خواند و گفت: «در وقایع ۱۸ دی‌ماه، وزیر کشور، دکتر جمشیدیان و بنده همگی در وزارتخانه حضور داشتیم. حوادث تلخی رخ داد اما تأکید می‌کنم هیچ بخشی از خاک کشور، حتی یک کیوسک خالی یا یک سکونتگاه عشایری هم به دست دشمن نیفتاد. اگر افتاده بود که اپوزیسیون با بزرگ‌نمایی آن را در بوق و کرنا می‌کرد».

زمان پایان تجمعات شبانه

وی همچنین درباره تجمعات شبانه میادین اعلام کرد که این تجمعات کاملاً مردمی است اما با توجه به ایام محرم و در

تابستان سوزان؛ زاگرس و مرکز ایران در کانون گرما

همزمان گزارش‌های تکمیلی نشان می‌دهد که نوار مرکزی کشور و دامنه‌های رشته‌کوه زاگرس، کانون‌های اصلی این موج گرمای زود هنگام خواهند بود. ساناز جعفری، دکترای هواشناسی، تأیید کرد که تحلیل‌های بلندمدت نشان‌دهنده تابستانی گرم‌تر از میانگین سنوات گذشته است. جعفری گفت: «برخلاف برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر کوتاه بودن فصل گرما، شرایط کاملاً تابستانی و هوای داغ حتی تا اواسط شهریورماه نیز بر فضای کشور حاکم خواهد بود. دمای هوا در بخش عمده‌ای از ایران بین یک تا دو درجه سانتی‌گراد بالاتر از حد نرمال پیش‌بینی می‌شود، درحالی که این افزایش در نوار ساحلی جنوب بین نیم تا یک درجه خواهد بود». پیش از این نیز صادق ضیائیان، رئیس مرکز پیش‌بینی هواشناسی ایران از افزایش تدریجی پایتخت و گرم‌تر شدن هوای تهران در روزهای پایانی هفته خبر داده بود.

تلاطم در جنوب، رگبار در شرق؛ نقشه چندپاره اقلیمی

وضعیت آب‌وهوایی ایران در آستانه تابستان تنها به گرمای شدید محدود نمی‌شود؛ خروجی مدل‌های پیش‌بینی نشان‌دهنده

ناپایداری‌های شدید موقتی در نقاط دیگر است:

سواحل جنوبی: سازمان هواشناسی برای سواحل و نواحی دور از ساحل استان‌های هرمزگان، بوشهر و غرب تنگه هرمز هشدار سطح زرد صادر کرده و خواستار احتیاط فعالان شیلاتی و تفریحی شده است.

جنوب‌شرق کشور: بیشترین نگرانی امنیتی مربوط به رگبارهای ناگهانی بعدازظهر در جنوب سیستان و بلوچستان است که هر لحظه خطر طغیان رودخانه‌های فصلی و ایجاد روان‌آب را به همراه دارد.

شمال‌غرب: در استان اردبیل و منطقه ارسباران در آذربایجان شرقی، احتمال وقوع صاعقه و بارش‌های رگباری موقتی، تهدیدی برای گردشگران و بومیان تلقی می‌شود.

جدال علمی؛ آیا «ال‌نینو» ایران را ذوب می‌کند؟

اما صعود دماسنج‌ها در ایران با یک بحث علمی جدی میان کارشناسان همراه شده است. اداره ملی اقیانوسی و جوی آمریکا (NOAA) اخیراً از شکل‌گیری یک ابر ال‌نینو (Su-per El Niño) در اقیانوس آرام خبر داد که پتانسیل جابه‌جایی

زینی‌وند با تأکید بر اینکه این سیاست از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم آغاز شده، گفت هدف اصلی از این برنامه، شناسایی افراد فاقد وضعیت مشخص و پایان دادن به حضور اتباع ناشناس در کشور است. به گفته او، تعیین دقیق محل اقامت، فعالیت و وضعیت اقامتی اتباع یک اصل حاکمیتی محسوب می‌شود.

تکلیف قطعی انتخابات شوراها و شهرداران در سال ۱۴۰۵

سخنگوی وزارت کشور همچنین به ابهامات ایجاد شده درباره وضعیت انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و ادامه فعالیت مدیران محلی پرداخت و تأکید کرد که از نظر حقوقی تکلیف این موضوع روشن شده است. به گفته او براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، انتخابات شوراها باید حداکثر دو ماه پس از پایان رسمی شرایط جنگی برگزار شود و به محض نهایی شدن تفاهم‌نامه و فراهم شدن شرایط، وزارت کشور و شورای نگهبان آمادگی دارند در همین بازه ۶۰ روزه انتخابات را برگزار کنند. زینی‌وند در ادامه توضیح داد که با استناد به نظر معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و با توجه به شرایط اضطراری ناشی از جنگ، فعالیت تمامی شوراهای اسلامی شهر و روستا، شهرداران و دهیاران فعلی تا زمان تشکیل شوراهای جدید ادامه خواهد یافت و خللی در اداره امور محلی ایجاد نخواهد شد. او همچنین احتمال برگزاری همزمان انتخابات شوراها با انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۶ را رد کرد و گفت چنین اقدامی از منظر حقوقی امکان‌پذیر نیست زیرا مجلس باید برای انجام وظایف نظارتی خود مستقر باشد. به همین دلیل برنامه وزارت کشور بر برگزاری انتخابات شوراها در سال ۱۴۰۵ است. وی در پایان با اشاره به برنامه‌های دولت برای توسعه انتخابات الکترونیک اظهار کرد که اگر شرایط جنگی پیش نمی‌آمد امکان برگزاری انتخابات به‌صورت کاملاً الکترونیکی وجود داشت اما در شرایط فعلی زیرساخت‌های لازم برای اخذ حدود ۵۰ درصد آرا به شکل الکترونیکی فراهم شده است.

مرزبندی با اپوزیسیون

زینی‌وند با اشاره به سیاست دولت چهاردهم برای شنیدن صدای مخالفان گفت: «اپوزیسیون که دامنه‌اش همراهی با دشمن، تجزیه کشور و قلع‌وقمع شدن دانش‌آموزان مینایی است اصلاً جای مذاکره ندارد. اما کسانی که منتقدند، حتی به زندان رفته‌اند اما در زمان جنگ دوشادوش ملت ایستادند، وطن‌دوست هستند؛ ما نظرات آنها را می‌شنویم و رئیس‌جمهور این سیاست را کنار نخواهد گذاشت».



رکوردهای گرمای جهانی را دارد؛ موضوعی که موجی از نگرانی را در فضای مجازی ایران ایجاد کرد. با این حال پروفیسور حسین اردکانی، از پیشگامان علم هواشناسی در ایران، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایرنا، فرضیه تابستان طاقت‌فرسا به دلیل این پدیده را رد کرد. پروفیسور اردکانی با اشاره به فاصله جغرافیایی ایران از کانون این پدیده گفت: «نباید تأثیرات ال‌نینو را بزرگ‌نمایی کنیم. بررسی‌های دینامیکی نشان می‌دهد که پیوندهای جوی دیگر می‌توانند، اثر این پدیده را خنثی کنند. پیش‌بینی من این است که تهران رکوردهای پیشین خود مانند دمای ۴۴ درجه را تجربه نخواهد کرد و سقف دمای پایتخت حدود ۴۲ درجه خواهد بود». این استاد دانشگاه معتقد است، ایران تابستانی با «گرمای معمول» را سپری خواهد کرد و از اواخر مهرماه با ورود به یک پاییز نرمال و پربارش از شدت این بحران کاسته خواهد شد. در شرایطی که کارشناسان بر سر میزان شدت این موج گرما اختلاف‌نظر دارند، فعالان محیط‌زیست در ایران هشدار می‌دهند که حتی افزایش یک درجه‌ای دما در ترکیب با بحران کهنه مدیریت آب می‌تواند، تابستان پیش‌رو را به یکی از سخت‌ترین دوره‌ها برای بخش انرژی و کشاورزی ایران تبدیل کند.

دانشگاه

اخراج

۶دانشجوی دانشگاه شریف

امکان تجدیدنظر وجود دارد

کمیته انضباطی دانشگاه صنعتی شریف در احکام بدوی جداگانه ۶ دانشجو را در ارتباط با پرونده‌های مرتبط با تجمعات و فعالیت‌های دانشجویی اسفندماه گذشته به اخراج از دانشگاه محکوم کرده است. این خبر به نقل از خبرگزاری فارس منتشر شده و جزئیات آن براساس اطلاعات به‌دست آمده از روند رسیدگی انضباطی ارائه شده است.

بر اساس این گزارش، اتهامات مطرح شده علیه این دانشجویان شامل «برگزاری و هدایت تجمعات غیرقانونی»، «فعالیت‌های سازمان‌یافته در فضای مجازی»، «انتشار محتوا علیه نظام»، «توهین به مقدسات»، «هتاکي و استفاده از الفاظ توهین‌آمیز»، «تمسخر مقامات کشور» و «اقدام علیه امنیت ملی» عنوان شده است. همچنین در بخشی از پرونده‌ها به حمل و ترویج نمادهایی مانند شیروخورشید و نقش‌آفرینی در تجمعات دانشجویی اشاره شده است.

اسامی اعلام شده در این گزارش شامل سینتا سعیدی، حسین شادمان، مسیحیا باقری، فاطمه خاکپور، فریبرز کهن‌زاد و پرتیان خدابخشی است. به گفته منابع منتشرکننده خبر، برخی از این احکام علاوه بر اخراج از دانشگاه شامل محرومیت چند ساله از ادامه تحصیل نیز می‌شود. همچنین پیش‌تر نیز حکم انضباطی مربوط به یکی دیگر از دانشجویان، رضا دالمن، رسانه‌ای شده بود که در شمار احکام جدید قرار نگرفته است.

در بخش دیگری از این پرونده‌ها آمده است که سه نفر از دانشجویان عمدتاً به دلیل فعالیت‌های مرتبط با فضای مجازی و انتشار محتوا مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، درحالی که پرونده سایر افراد بیشتر به نقش‌آفرینی در تجمعات و حوادث اسفندماه گذشته مربوط می‌شود. همچنین برای یکی از دانشجویان که به حمل سلاح سرد در محیط دانشگاه متهم شده، حکم محرومیت از تحصیل به مدت دو نیم‌سال آموزشی صادر شده است.

این احکام در مرحله بدوی صادر شده‌اند و امکان تجدیدنظر در مراجع بالاتر انضباطی دانشگاه برای افراد محکوم وجود دارد.

